

دانشگاه علوم هنری هفت

نشریه سیمای اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دانشگاه هنر و معماری (دانشکده هنر) فصلنامه ۱۰۰ نوبتان

هفت

بررسی مفهومی ساخت شهر و باز ساخت شهرها

پایه‌آری اجتماعی در معماری

نگرش بر پیشینه فلز کاری در ایران (۲)

روش کرافیک راچکونه به کار بریم

تلخیق ژانرهای

جام تقریه ای چهار هزار ساله فارس

فرش ایران در نمایشگاه جهانی دموتکس

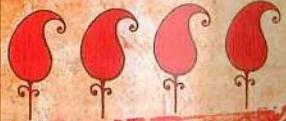
تاریخچه پیدایش تقویم (۱)

تاریخ شهر و شهر سازی (۳)

روم و اپراتور

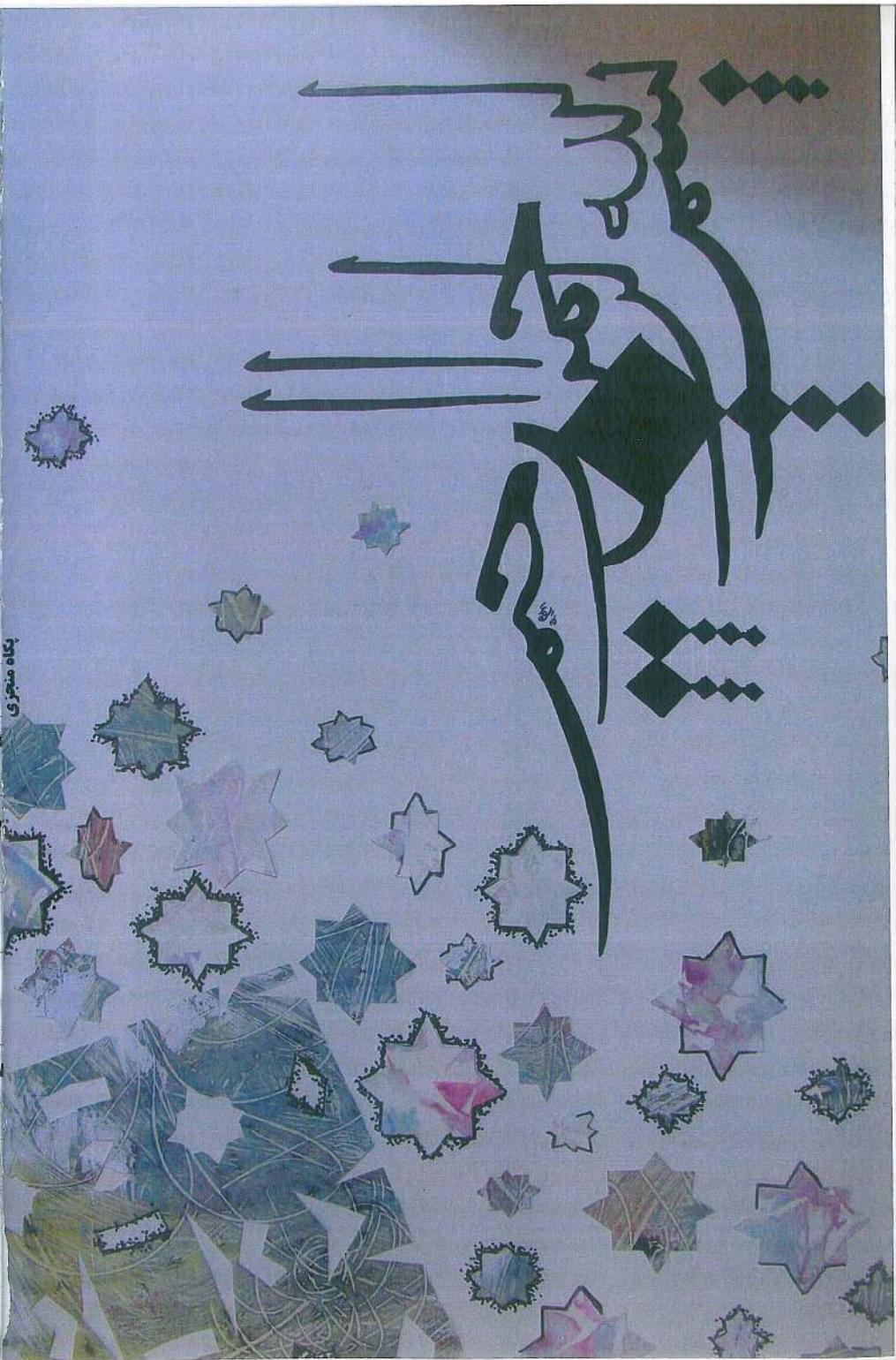
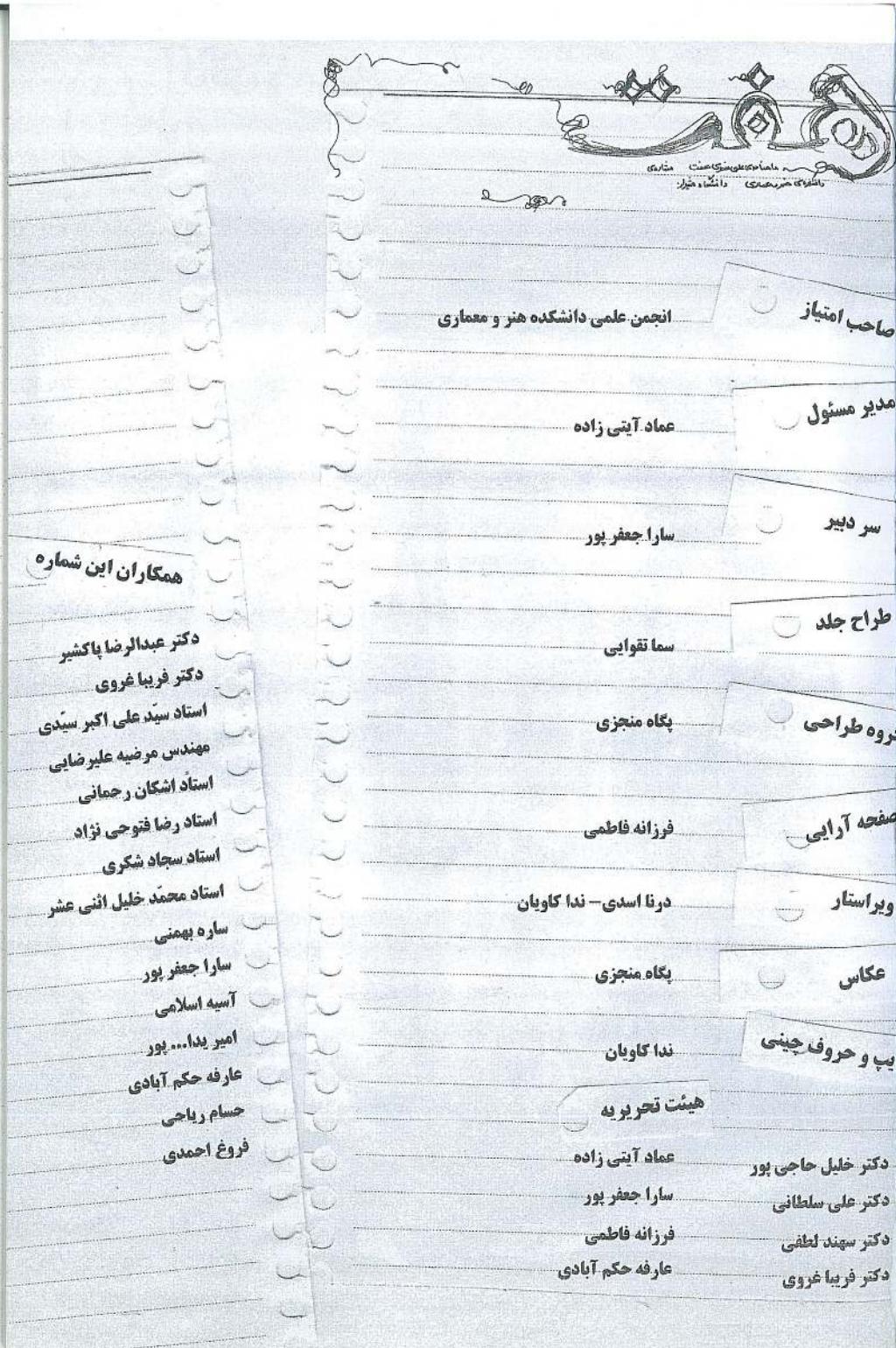
فضا، مکان و قلمرو: چهار جوب تحلیلی

وقتی حیات در موسیقی خلاصه شد



هفت







شهر سازی

شماره صفحه

۱
۳
۱۳
۱۷

۱۹
۲۰
۲۹
۳۰
۳۲
۳۴

۳۵
۳۶

۴۱
۴۲

۴۵
۴۶

۴۹
۵۰
۵۱

۵۵

عنوان

بخش شهرسازی

بررسی مفهومی ساخت شهر و باز ساخت شهری
تاریخ شهر و شهرسازی جهان (۳) : روم و امپراتوری
فضا، مکان و قلمرو : چهار چوب تحلیلی

بخش معماری

پایداری اجتماعی در معماری

بخش صنایع دستی

جام نقره ای چهار هزار ساله فارسی
نگرشی بو پیشینه فاز کاری در ایران (۲)
فیوز گلاس چیست؟

بخش فرش

فرش ایران در نمایشگاه جوانی دموکراسی، هنرور آلمان

بخش گرافیک

رشته گرافیک را چگونه به کار بردیم

بخش سینما

تل斐ق زانوها

بخش هفت

وقی حیات در موسیقی خلاصه می شود...
نگاهی به تاریخچه پیدایش تقویم

آثار هنری اساتید و دانشجویان دانشکده هنر و معماری

بررسی مفهومی ساخت شهر و بازساخت شهری

چکیده:

تفییرات کنونی شهرها فراتر از تغییرات جزئی گذشته می باشد. ارتباط دوطرفه تغییرات اقتصادی و آرایش مکانی پدیده های جغرافیایی دارد. نشان از درجریان یومن فرایند بازساخت جغرافیایی دارد. تغییرات موردنظر در فرآیند بازساخت، تغییرات اساسی کمی و کیفی در ساختارهای اجتماعی- اقتصادی و درنتیجه تغییرات کالبدی است. در فرایند بازساخت شهری فرم خاصی از شهر، تحت تأثیر تغییرات اقتصادی- اجتماعی، خلق می گردد و فرم شهر نیز به نوبه خود، جایگاه هر طبقه و فعالیت ها را تعیین می کند. تحقق حاضر سعی دارد ضمن شناخت مفاهیم ساخت شهر و بازساخت شهری، عوامل موثر در بازساخت شهری شهرها را با تاکید بر دیدگاه سیستمی مورد تحلیل و بررسی قراردهد.

بررسیهای انجام گرفته نشان می دهد که فرآیند بازساخت شهری تحت تأثیر دخالت دو دسته عوامل بیرونی و درونی در چهارچوب روابط متقابل صورت گرفته و موجبات بازساخت شهری را فراهم می آورند. از دیدگاه سیستمی، ساخت جدید یک سیستم، تابعی است از روابط جدید میان سیستمی. به بیان دیگر، تغییر در روابط میان سیستمی موجب تغییر در تقاضا برای عملکردهای سیستم شده و ایجاد تقاضا سبب بر جسته شدن نقش عناصری خاص از سیستم جهت پاسخگویی به این تقاضاها می گردد که درنهایت با سازماندهی جدید مناصر سیستم، اجرای عملکرد مطلوب (بازساخت) را باعث می گردد.

Abstract

The recent urban changes are different and contain complex processes than the past. They are part of more fundamental processes of transformation. In other words, cities have recently entered a new phase or, at least, begun a distinctive transitional phase in response to changing economic, political, social and cultural conditions; urban restructuring or transformation. The restructuring changes are quantitative and qualitative in their nature. New urban forms will produce through this process and this, in turn, will define the urban functions and related social status.

This paper tries to clarify the main factors affecting the urban restructuring process in the light of the system theory. The two major concepts, urban structure and urban restructuring, will also be defined. Urban restructuring process takes place by affecting two general factors, internal and external, which will lead to new urban system. From system approach viewpoint, the changes in relations between the system will cause specific changes in the demands for new functions, and this in turn highlights the role of some system elements for answering the demands. In result, urban restructuring will take place by reorganizing the system elements.

۱. مفهوم «ساخت» و «بازساخت شهر»؛ & Urban Structure

مفهوم ساخت از جمله مفاهیم مهمی است که در عرصه اندیشه و علوم مختلف کاربرد فراوانی داشته و در عین حال این مفهوم با معانی و کاربردهای بعضاً متقاوی نیز به کار برده شده است. مفهوم ساخت را می توان کلیتی دانست که در آن ترکیب اجزاء و روابط بین آنها برپایه مقصد و هدف معینی سازمان یافته باشد.

«ساخت در لغت به مفهوم ترکیب و سازمان و گاهی به معنی چگونگی ترکیب بندی ساختمان چیزی، عمل یا فرایند ساختن و ترکیب اجزاء و بخش های یک جسم مورد استفاده واقع شده است» (آرایشور، کاشانی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۰۴).

به لحاظ تاریخی، کاربرد این مفهوم ابتدا در معماری و سپس در حوزه علوم زیستی و زبان شناسی دیده شده است. Struere کلمه ساخت از کلمه لاتین Structura و از فعل Struere به معنی ساختن و بنا کردن گرفته شده است. تا قبل از قرن هفدهم این کلمه تنها در معماری بکارمی رفت، اما از آن به بعد در علم کالبدشکافی و زبان شناسی نیز به کار بوده شد. ترکیب تن آدمی نوعی ساختمندان تصور می شد و گمان می رفت که ترکیب و ترتیب کلمات نیز دارای ساخت است (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴).

بیان ویژگی های مفهوم ساخت، ما را با دیدگاه سیستمی پیشتر نزدیک می سازد. در رویکرد سیستمی به علت ژرف نگری به یک سیستم، توجه عده به تغییرات و آهنگ دگرگونی متغیرهای موجود در سیستم است. مفهوم سیستم در این رویکرد مجموعه ای از اجزاء به هم وابسته است که بعلت ارتباط بین اجزاء خود، کلیت جدیدی را احراز و از نظام خاصی پیروی کرده و همچنین درجهت هدف معینی فعالیت می نماید، به نظر دیوید هاروی اگر ما در جغرافیا، نگرش سیستمی را رها کنیم یکی از نیرومندترین روشهای را که قادر است برای جهان پیچیده اطراف ما پاسخ های قانع کننده ای بیابد، از دست مدهیم (پرهیز کار و اسماعیل زاده، ۱۳۸۴). بنابراین می توان بیان نمود که ساخت به معنی چگونگی ترکیب بندی ساختمندان چیزی و ترکیب اجزاء و بخش های یک پدیده بوده و ترکیب، ارتباط و پیوند بین اجزاء یک مجموعه که ساخت را دیدگد می آوردند برای تحقق هدف و منظوری معین است (بذرگ، ۱۳۶۱، ص ۲۷).

بدين ترتیب در تحلیل مفهوم ساخت درنظر گیری مواردی چون کلیت، ترکیب اجزاء، ارتباط و پیوند متقابله بین اجزاء و هدف (بعنوان نظم دهنده به تعداد و روابط بین اجزاء در یک ساخت، از مسائل اساسی می باشد. در چنین حالتی که کلیت یک ساخت مستقل از روابط بین اجزاء است و ارتباطات میان اجزاء با اهمیت ترا خود اجزاء می باشند، ورود مفهوم ساخت به ادبیات جغرافیایی سبب عمق بخشیدن به تحلیل های جغرافیایی گردید و باعث گردید چنین تحلیل هایی با دقت و همه جانبه نگری بشتری صورت گیرد. «ساختار یک رویکرد نظریه ای است که از طریق زبان شناسی و فلسفه آن، وارد ادبیات جغرافیایی شده است» (شکوتی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷).

«ساخت در لغت به مفهوم ترکیب و سازمان و گاهی به معنی چگونگی ترکیب بندی ساختمان چیزی، عمل یا فرایند ساختن و ترکیب اجزاء و بخش های یک جسم مورد استفاده واقع شده است» (آرایشور، کاشانی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۰۴).



مفهوم بازساخت روستایی می‌باشد در بردارنده خصوصیات گرگون شده مرتبط با هم باشد - p (Hoggart and P., ٢٠٠١، P. ٤٢) niagua, ٢٠٠١، P. ٤٢). مفهوم بازساخت کشاورزی نیز در تعریف عملیاتی، به تغییرات ساختاری نسبت داده شده و تغیراتی چون کسب درآمد کشاورزان از راههای غیر کشاورزی، دگرگونی در مقیاس و شدت کشت و تغیر در واستگی کشاورزان به درآمد حاصل از فعالیت بر روی زمین را به معنای بازساخت می‌دانند (Lobley et.al, ٢٠٠٢). چنین نگرشی میان شکل گیری گلوبال چنانچه ذکر گردید، نوع رابطه و پیوند موجود میان اجزا (Johnston, ٢٠٠٠, P. ٢١٠) یک ساخت حائز اهمیت است بنحویکه می‌توان گفت تفاوت به لحاظ تاریخی، مفهوم بازساخت ابتدا با محتوی اقتصادی میان ساختهای مختلف ناشی از تفاوت نوع و تعداد عناصر در راستای پهبد عملکرد سازمانهای توییدی بخصوص در تشکیل دهنده آن و همچنین تفاوت میان رابطه با روابط شرایط دگرگونی نوین سیستم اقتصاد جهانی مطرح گردید. میان عناصر می‌باشد. لذا، ساختهای متفاوت اجتماعی اقتصادی را می‌توان بر همین اساس تحلیل نمود. بطورمثال ساخت کالبدی شهر نه تنها از عناصر، فضاهای و دسترسی‌های مختلف تشکیل می‌شود، بلکه شیوه ارتباط این اجزاء و عناصر با یکدیگر و کوششی که برای سازگار کردن خود با شکل کلی مجموعه می‌نمایند نیز مطرح است (Bryant, ٢٠٠٣). با اینحال، Johnston معتقد است بازساخت را نمی‌توان فقط به حوزه اقتصادی محدود نمود. این فهم می‌تواند در مقام پذیری ساخت و کارکردهای آن، می‌توان بیان نمود که ساخت شهرها در طول زمان چار تغییرات شده و این پاسخدهی به تغییرات دیگر حوزه‌های اجتماعی نیز قرارداداشته باشد (Johnston, ٢٠٠٠, P. ٢١٠).

مرکز تحقیقات آموزشی مدارس وابسته به دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در بررسی‌های خود چنین نتیجه گرفت که مراکز آموزشی می‌توانند و باید در فرایند بهره وری و توسعه جامعه نقش داشته باشند. بر این اساس فرایند بازساخت نظام مراکز آموزشی برایه تغییر و دگرگونی شش دسته از موضوعات اساسی شامل مدارس، معلمین و سیستم مدیریت (بعنوان اهداف سازمانی بازساخت) و استراتژیهای آموزش، خدمات مختلف و انتخاب دانش آموزان (بعنوان عناصر عملیاتی بازساخت) قرارگرفت (Mitchell et.al, ١٩٩٦, P. ٤٠). از جمله مباحثت مهم در بررسی‌های جغرافیای شهری، بررسی تغییرات ساخت شهرهای است. از نظر شکل‌بیان شرح و تبیین پدیده‌های مکانی در ارتباط با تحول آنها در طول زمان بر عهده جغرافیا بوده و تحول در یک پدیده جغرافیایی، پیانگر تغییر آن در طول زمان می‌باشد (Shkodt, ١٢٨٢، ص ٩٩) دولفوس نیز بازساخت جغرافیایی را به معنی دگرگونی و تغییر کیفی از یک وضعیت سازمانی به وضع دیگر می‌داند بطوریکه در این فرایند عملکرد بازساخت نشان دهد (Hall, ١٩٩٨, P. ٣٧).

و فضای جغرافیایی جدیدی ایجاد گردد (دولفوس، ١٣٧٣، ص ٣٩). بنابراین، طرح پدیده بازساخت بیانگر دگرگونی و تغییرات در سطوح مختلف محیط جغرافیایی و حتی تغییر در فعالیت‌ها می‌باشد. از دیدگاه جغرافیای شهری، ورود مашین به زندگی انسان، اندیشه سنتی دسترسی پیاده به مراکز سکونت، اشتغال و خدمات مختلف را تحت تأثیر

توجه دارد. مفهوم ساخت شهر برای جغرافیدانان و جامعه شناسانی که معتقد به رویکرد ساختاری و رفتاری هستند فرهنگ لغت معتبر جغرافیای انسانی (Johnston)، مفهوم بازساخت را به معنای ایجاد تغییرات بدون بازگشت در اجزاء اجتماعی و محلات طبقات مرufe نشین، مسکونی، حوزه‌های اقتصادی و عناصر یک سیستم اجتماعی می‌داند که این تغییرات فقیر جامعه، حومه‌های شهری و چگونگی جمعیت یابی آنی می‌تواند ناشی از پویایی حوزه اجتماعی به تهایی، وبا از از موضوعات قابل بحث و بررسی می‌باشد (موسی کاظمی، نضاد و بحران درون آن ناشی شده و در عین حال مین و بدری، ١٣٨٣). و اکنون به محکه‌های شرایط تغییراتیه در یک سیستم باشند چنانچه ذکر گردید، نوع رابطه و پیوند موجود میان اجزاء (Johnston, ٢٠٠٠, P. ٢١٠) یک ساخت حائز اهمیت است بنحویکه می‌توان گفت تفاوت به لحاظ تاریخی، مفهوم بازساخت ابتدا با محتوی اقتصادی در راستای پهبد عملکرد سازمانهای توییدی بخصوص در تشکیل دهنده آن و همچنین تفاوت میان رابطه با روابط شرایط دگرگونی نوین سیستم اقتصاد جهانی مطرح گردید. میان عناصر می‌باشد. لذا، ساختهای متفاوت اجتماعی اقتصادی را می‌توان بر همین اساس تحلیل نمود. بطورمثال ساخت کالبدی شهر نه تنها از عناصر، فضاهای و دسترسی‌های پذیری ساخت و کارکردهای آن، می‌توان تواند در مقام بازساخت شهرها در طول زمان چار تغییرات شده و این پاسخدهی به تغییرات دیگر حوزه‌ای اجتماعی نیز قرارداداشته باشد (Johnston, ٢٠٠٠, P. ٢١٠).

از جمله مباحثت مهم در بررسی‌های جغرافیای شهری، بررسی تغییرات ساخت شهرهای است. از نظر شکل‌بیان شرح و تبیین پدیده‌های مکانی در ارتباط با تحول آنها در طول زمان بر عهده جغرافیا بوده و تحول در یک پدیده جغرافیایی، پیانگر تغییر آن در طول زمان (علوم) در طول زمان می‌باشد. هرچند، مکان یا فرم نیز در ساختار اجتماعی اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود، اما در روابط متقابل این دو میکان Richard Meagan (Richard Meagan) مطرح گردید. آنها در اوایل علت تغییر) و به تبع آن تغییر در فرم شهر (علوم) در طول زمان می‌باشد. هرچند، مکان یا فرم نیز در ساختار اجتماعی اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود، اما در روابط متقابل این دو سهیم علت پیشر و سهم معلول کمتر می‌باشد (Skodt, ١٩٨٠، ص ١٩٨٠) بازگری مجده این فهم، نابرابریهای مکانی را در نز اشتغال و بیکاری در انگلیس مطرح و معتقد بودند، مفهوم بازساخت تحت تأثیر بهره برداری از تنوع مکانی فضایی و به جهت افزایش سودمندی در شرایط رقابت مفهوم بازساخت (Restructuring) در لغت با معنای اقتصادی جهانی سازمان داده شده است. درنهایت، تگریش متنوعی و پیشتر با گرایش اقتصادی بکار رفته است: «اعمال بازساخت توانت در عمیقی فرایر از تحلی های اقتصادی ارتباط متقابل خصوصیات اجتماعی و عرفه‌نگی و مکانی جغرافیائی را بر فرایند عملکرد بازساخت نشان دهد (Hall, ١٩٩٨, P. ٣٧).

و فضای جغرافیایی جدیدی ایجاد گردد (دولفوس، ١٣٧٣، ص ٣٩). بنابراین، طرح پدیده بازساخت بیانگر دگرگونی و تغییرات در سطوح مختلف محیط جغرافیایی را به معنی دگرگونی و تغییر کیفی از یک وضعیت سازمانی به وضع دیگر می‌داند بطوریکه در این فرایند عملکرد بازساخت نشان دهد (Hall, ١٩٩٨, P. ٣٧).

بنابراین، طرح پدیده بازساخت در چهارچوب وسیع مباحثت اقتصادی و اجتماعی سبب گردید تا بررسی‌های جدیدی بپردازی این مفهوم بازگشت در سازمان یک نظام». Dictionary of the English Language, ٢٠٠٠.

«سازماندهی جدید یک سیستم و یک واحد اقتصادی؛ هدف افزایش کارایی». Cambridge Advanced Learner's Dictionary, ٢٠٠٤

فرهنگ لغت علوم اجتماعی، این مفهوم را به معنای ساخت شهر برای ایجاد و قرارگیری بخش‌ها و مناطق شهر و چگونگی توسعه آنها و استفاده از اراضی شهر

چهارچوب گلوهای همساخت عمل می‌کنند. این ساختارها، شیوه کلیت زندگی را در زمان و مکان خاص معاول می‌دارد. در جغرافیای سنتی، مفاهیم چه چیز، در کجا و در چه زمانی مورد تأکید بود اما، در عصر جغرافیای نو، مفاهیم چگونه و به چه دلیل، در جهت شناخت ساخت بندی و شکل گیری شیوه زندگی، به این مفاهیم سه گانه اضافه می‌شوند. نظریه پردازان معروف جغرافیا در تحلیل پدیده‌های جغرافیایی هیچگاه بدبانی یک دلیل نمی‌گردند، بلکه با اساس قرار دادن نهادها و ساختهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، هر پدیده جغرافیایی را حاصل عوامل و مولفه‌های گوناگون می‌شناستند. هر بخشی از شهر و اکنثی از کلیت ساختاری جامعه است و در نتیجه رازگشانی از شهر، درواقع راز گشانی اساسی از عملکرد ساخت ها در جامعه می‌باشد (همان مأخذ، ص ٢٨٩).

ویزگی دیگر ساخت ها، امر تحول و به بیان دیگر تغییرات در ساخت و کارکرد ساخت ها در طول زمان است. تغییرات یک سیستم، از تأثیرات محیط در کلیت و اجزاء سیستم حاصل می‌گردد، یعنی هر تغییر که در روابط سیستم با محیطش وجود دی، این، ابتدا اجزاء و عناصر سیستم را تحت تأثیر قارمی دهد و سپس از طریق کلیت سیستم، همه اجزاء و عناصر سیستم از تغییرات حاصل تأثیر می‌پذیرد. در این فرایند «مسیر تحول ساخت توسط نظام های هدایت می‌شود که آن را چه از درون و چه از بیرون سازمان می‌دهد» (دولفوس، ١٣٧٣، ص ٢٨).

شهرها بعنوان یک پدیده پیچیده از ساختهای متقابلی برخوردارند از جمله، ساخت اجتماعی، ساخت اقتصادی و ساخت کالبدی. منظور از ساخت شهر کالبدی است که بر ساخت اجتماعی- اقتصادی خویش قرارگرفته و درواقع تجلی یک ساخت اجتماعی، ساخت کالبدی آن است که همچون فرم و محتوی عمل می‌نماید (Bryant, ١٣٨١). بنا به نظر بورن، ساخت شهر بعنوان روابط متقابل درون مکانی، بین عوامل اجتماعی و طبیعی در یک تاچیه شهری تعریف می‌شود. برای مطالعه ساخت شهر، باید توزیع فضایی این عوامل و همچنین روابط بین این عوامل را فهمید (Bourne, ١٩٧٦)، در مقاله یانگ- و- نام.

آمریکا شروع گردید» (Nobre, ۱۹۹۴, P. ۷). از مهمترین تغییرات بازساختی در فرایند جهانی شدن اقتصاد، تغییراتی است که در الگوی توسعه شهری و شهرنشینی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه پدیدآمد و ساخت شهرها را دچار تغییرات چشمگیری نمود. در کشورهای پیشرفته، تسمیم کار جدید بین المللی نیروی کار سبب جابجایی صنعت از این کشورها به کشورهای تازه صنعتی شده گردید و در این جریان کشورهای پیشرفته با اتکاء به صنعت اتومبیل سازی از نظر Maijala و Groth بازساخت شهری به معنای کاهش یا افزایش نیاز به اراضی جدید در فرایند گسترش قصصی- اجتماعی ساکنین کم درآمد شهری - (Gentrification) و تغییر سیاست های مربوط به مسکن و نظایر آن.

(World Human Geography Glossary, ۱۹۹۷) می‌گویند: «تغییرات بدون بازگشت (بازساخت)، عمدتاً یک تغییر جهشی (Mutation) در اثر دخالت اعمال یا عواملی خارج از سیستم است که در عین حال دومفهوم تغییر و تغییر مرحله ای را در خود دارد در حالیکه تغییر وقوع آن میتواند بدوز اتفاق تغییرات مرحله ای (گذار) و به همین ترتیب فرایند گذار بدون ایجاد تغییرات بدون بازگشت صورت پذیرد. بازتاب چنین تغییراتی در محیط فیزیکی شهری بصورت بروز تغییرات در تقاضا برای واحدهای مسکونی، مکان تولید و تغییر تقاضا برای خدمات خصوصی و عمومی شهر نمایان می‌گردد (Groth and Maijala, ۱۹۹۹).

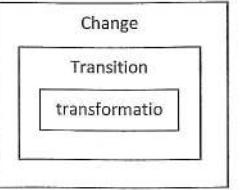
Johansson, ۲۰۰۱) مفهوم بازساخت را می‌توان به تنظیم مجدد و اساسی بازساخت را می‌توان به تغییرات ایجاد شده از فوردیسم (Fordism) به پست فوردیسم و یا مدرنسیسم (Moernism) معرفی کنند. آنچه در جریان بودن فرایند بازساخت جغرافیایی، تغییرات اقتصادی و آرایش مکانی پدیده های جغرافیایی، نشان از در جریان بودن فرایند بازساخت جغرافیایی دارد.

در کشورهای در حال توسعه ای تغییر مکریک، بزرگ، سنگاپور، تایوان و کره، فرایند صنعتی شدن و جذب سرمایه، عامل اصلی در گسترش ناگهانی شهر و جذب هزاران مهاجر بمنظور دستیابی به فرصت‌های بهتر زندگی بوده است. افزایش سرعت رشد شهرها بحدی بود که دولت و مدیران محلی قادر به جوابگویی و تامین خدماتی چون مسکن و زیرساخت‌های شهری و تمهیلات اجتماعی برای جمعیت جدید تبوده و روابط جدیدی را بین اجزاء سیستم متفاوت از روابط اولیه جایگزین سازد. آنچه در حال حاضر بعنوان بازساخت شهری از بدهی به کشورهای پیشرفته نیز این وضعیت را تشید نمود. شهرهای جهان سومی ساختار دوگانه و تبعیض آبیزی را در ابعاد فضایی و کالبدی خود بنمایش گزارد و پخش سکونتگاهی متولین شهر، آپارتمان سازی های وسیع را شامل می‌شوند. طبقات منماز و به دنبال آن طبقات متواضع جامعه، با ترک بخش مرکزی شهر بست نواحی حومه ای (به شیوه شهرگرایی غربی) حرکت نموده و طبقات کم درآمد بازساختی است که تحت عنوان اقتصاد جهانی طی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰ اتفاق افتاده است. فرایند بین المللی شدن اقتصاد تحت رهبری و قدرت نظامی، اقتصادی و مالی ایالات متحده هاروی معتقد است: «ساختار کنونی شهرهای جهان تبلور

باشد. فضای جغرافیایی یک مقوله تاریخی، اجتماعی و سیاسی است که در طبیعت نقش بسته و هرگونه بازساخت نه تنها تولید، بلکه جغرافیا را نیز شکل می‌دهد (شکویی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱).

۳- مفهوم بازساخت شهری: فرهنگ لغت جغرافیای انسانی دانشگاه کلورادو آمریکا مفهوم بازساخت شهری را چنین تعریف نموده است:

«بازساخت شهری عبارتست از اعمال تغییرات بدون بازگشت فرایند گردید. چنین طرز فکری پویاست زیرا با تغییرات و آنگه دگرگونی موجود در سیستم سروکار دارد (پرهیزکار و اساعیل زاده، ۱۳۸۴، ص ۴۱).



قرارداد و تصمیمات مکانی برایه تحرک کامل مکانی قرارگرفت، جاذبه چنین مراکزی نه تنها سبب آرایش مجدد جغرافیای تجارت (دادوستد) در نواحی شهری گردید، بلکه کلیت زندگی اجتماعی نواحی حومه ای شهرها نیز از تو تعريف گردید (Knox and Pinch, ۲۰۰۰, P. ۳۷۳).

براین اساس مفهوم بازساخت در علوم جغرافیایی و بطور خاص در جغرافیای انسانی ریشه در تغییرات و دگرگونی هایی دارد که محیط های شهری و روستایی طی دهه های گذشته با آن مواجه گردیدند بطوریکه این تغییرات و دگرگونی ها سبب گردید تا طی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جغرافیدانان با این پرسش مواجه گردند که آیا چنین تغییراتی را باید بعنوان ادامه تغییرات جزئی پیوسته و ارگانیک شهرها بحساب آورد و یا اینکه چنین تغییراتی را باید بخشی از یک فرایند بازساخت محسوب نمود؟ از نظر تیم ها، تغییرات کنونی شهرها فراتر از تغییرات جزئی است و ارتباط دوطرفه تغییرات اقتصادی و آرایش مکانی پدیده های جغرافیایی، نشان از در جریان بودن فرایند بازساخت جغرافیایی دارد (Hall, ۱۹۹۸, P. ۱).

نکته مهم تفاوت میان دو مفهوم «تغییر» و «بازساخت» می باشد. آیا می توان این دو مفهوم را مترادف هم قرارداد؟ مفهوم تغییر را نمی توان با مفهوم بازساخت مترادف دانست. جامعه بطور مداوم در حال تغییر است اما درک مفهوم بازساخت به معنای توجه به دگرگونی خاصی از جامعه است که تا اندازه ای با روند تکامل طبیعی جامعه متفاوت است. بطور مثال زمانی که صنعتی شدن با خصوصیات رقابت سرمایه داری و تحرک انبیاش سرمایه مرتبط شد، نوعی تابرجایی وسیع در نوع رشد اقتصادی اجاد گردید و شرایط جدید نیز سبب برهم خوردن ساخت موجود گردید (Hoggart and Paniagua, ۲۰۰۱, P. ۴۳).

مفهوم بازساخت به معنای تغییرات متبادل در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی نیست. در این مفهوم توجه عده به تغییرات ساختاری بدون بازگشت است. در علوم اجتماعی و هرگونه بازساخت نه تنها تولید، بلکه جغرافیا را نیز شکل می‌دهد (Formation) و تغییرات بدون بازگشت (Transition)، غالباً به یک معنا آورده می شوند.

اما باید توجه نمود که این مفاهیم در فرایند پیوستگی و عدم پیوستگی فرایند توسعه می توانند دارای معانی متفاوتی باشند. نمودار زیر ارتباط بین این سه مفهوم را بهتر نشان می دهد:



۱۹۹۸، P. ۲۳۷)

سرمایه‌گذاری‌های داخلی بر روی املاک و اراضی در مرکز شهر توکیو نیز، تحت تأثیر افزایش تقاضا برای احداث فضاهای اداری موجب گردید تا قیمت زمین افزایش یابد و در سیاری موارد ساختان نواحی شهری توکیو در فرایند بازساخت شهری جایجا و پراکنده گردند (Saito, ۲۰۰۰, P. ۱۱-۱۳).

Paciano معتقد است روند تغییرات شهری در تمامی کشورهای آسیایی بطور عمده تحت تأثیر اقدامات و فعالیت‌های دولتی بوده است. بطور مثال در کشور چن، افزایش فرستادهای اشتغال، گسترش بازار مسکن و رشد پخش خصوصی طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ باعث گردید تا مهاجرت سریع به شهرها و امکان برخورداری از زندگی مناسب خارج از سیستم رسمی و کنترل شده تجربه گردد (Paciano, ۲۰۰۱, P. ۱۰۲-۱۰۴).

بازساخت شهری در ترکیه نیز تحت تأثیر اجرای پروژه‌های نوسازی شهری باعث گردید تغییرات و دگرگونی‌های متفاوتی در فرم و فضاهای مسکونی شهر استانبول و انکارا وجود آید. محركه‌های بازساخت شهری در ترکیه طی سالهای ۱۹۸۰ دربردارنده فرایند «تغییر شرایط اقتصادی مالکین کم درآمد بخش تغییر عملکرد شهرها» - (Gentri- cation) نیروهای بازار و سیاست‌های دولت بوده است (Uzan, ۲۰۰۳, P. ۲۰).

جمعبندی و نتیجه گیری:

شهر بعنوان یک پدیده پیچیده دارای ساخت‌های مختلفی است و موجودیتی مشکل از عناصری مرتبط و متعامل که این ارتباط و تعامل به آن نوعی کلیت و تمایتی می‌بخشد. همچنین رابطهای دیالکتیکی و پایدار میان اجزا و عناصر آن حکمرانی است.

رابطه ساخت کالبدی با دیگر ساخت‌های اقتصادی- اجتماعی شهر، رابطه فرم و محتوی می‌باشد. ساخت کالبدی شهر معنی ترکیب کل شهر و بنا به تعبیری محل قرارگیری عناصر شهری، نحوه ارتباط آنها با یکدیگر و نیز عملکرد آنها در زندگی شهری است. شهرها در طول حیات خود شاهد تغییرات و دگرگونی‌های مختلفی بوده اند لیکن تغییرات کنونی شهرها بیش از تغییرات جزئی و مستمری است که در گذشته با آن روبرو

تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف بیانگر آن است که عوامل داخلی موثر در بازساخت شهری کشورها نقش مهمی در تغییر و دگرگونی ساخت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای آنان داشته است. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر بعنوان عامل بازساخت اشاره نمود: تغییر عملکردهای شهری (برجسته شدن نفتش خدمات)، تغییر ساخت اجتماعی شهرها و درنهایت دگرگونی ساخت تغییر کاربری اراضی در مرکز و پیرامون شهرها.

کالبدی آنها را نیز به همراه داشت. درین رابطه Zhihang در تحلیل تغییرات اجتماعی شهر توکیو، سیاست‌های دولت جهانی شدن و بازساخت اقتصادی را مشترکاً در فرایند این دگرگونی موییداند. فرایندی که طی آن نابرابری‌های اجتماعی و دوگانگی فضای کالبدی و اجتماعی تضمیمات و سیاست‌های شهری دولت مرکزی. کاهش یا افزایش نیاز به اراضی جدید در فرایند گسترش شهری.

Zhihang, ۲۰۰۴, P. ۶).

شهر چاکارتا در اندونزی نیز تحت تأثیر ورود این کشور به فرایند جهانی شدن و تغییر نفس و عملکرد چاکارتا بازساخت گردید. در این فرایند تغییرات و سیاست‌های خدماتی، دچار تغییر در بازار مسکن. تغییر بروزه‌های پیرامونی چاکارتا در حوزه‌های پیرامونی کشوری در مرکز شهر و در حوزه‌های پیرامونی چاکارتا بوقوع پیوسته در میان اراضی شهری جدیدی مناسب با عملکردهای و طی آن فضاهای شهری می‌باشد. تضمیم گیری های مدیران بخش خصوصی، تضمیم گیری های مدیران محلی. تغییر در سیستم حمل و نقل شهری. تجتمع اراضی در نواحی ساحلی بهمراه کاهش قیمت اراضی خدماتی مهم بدل ساخت. طی سالیان ۱۹۷۸-۱۹۹۸ تعداد شاغلین بخش خدمات شهری از ۱۴ درصد به ۳,۲۵ درصد از نکات مهم در تحلیل عوامل بیرونی موثر در بازساخت شهری، تغییراتی است که در بخش های اقتصادی بر جای گذاشته و طی آن سهم بخش خدمات در اقتصاد ملی بر جسته می‌گردد. بعنوان مثال بازساخت شهر پکن در چین تأثیر پدیده جهانی شدن سازاری شدن سرمایه‌ای از سیستم شهرها مدنظر می‌باشد. بطور مثال Pacione, ۱۹۹۸, P. ۲۲۲).

معتقد است تغییرات شهری در شهرهای بزرگ آسیایی بیانگر رشد شهر یا کاهش آنها در چهارچوب تأثیرات و عامل «جهانی شدن اقتصاد» و «تغییرات اقتصادی اجتماعی و سیاسی شهرها در مناطق» بوده است. پویایی شهر سنتگاپور نمونه‌ای از تأثیر نشش سیاسی دولت در چهارچوب اقتصاد جهانی بوده است (Paciane, ۲۰۰۰, P. ۱۰۲-۱۰۴).

بازساخت شهری شهربازانگهای در چین نیز نتیجه رابطه مقابله نیروهای جهانی و عوامل محلی بوده است. تغییرات شهری شانگهای پس از دوره اصلاحات، عمدها تحت تأثیر نیروهای جهانی و درکنار آن نشش دولت نیز بعنوان یک رکن مهم در تمامی دوران ها مطرح بوده است. درنتیجه اعمال اصلاحات اقتصادی، فرم و ساختار اجتماعی شانگهای دچار دگرگونی شده و سهم بخش خدمات در اقتصاد ملی بر جسته می‌گردد (Lang, ۲۰۰۳, P. ۳).

دولت (بازساخت صنایع) و همچنین شرایط مالی و پولی یا بر تغییرات اجتماعی شهری گردید و به مرور توسعه بی‌رویه و خودبخودی مسکن در این نواحی توسط اداری افزایش یافته و درنهایت ساخت احداث فضاهای کالبدی شهرهای آنان داشته است. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر بعنوان عامل بازساخت اشاره نمود: نه تنها سبب تغییر و دگرگونی ساخت اقتصادی شد، بلکه تغییر عملکردهای شهری (برجسته شدن نفتش خدمات).

کالبدی آنها را نیز به همراه داشت. درین رابطه Zhihang در تحلیل تغییرات اجتماعی شهر توکیو، سیاست‌های دولت جهانی شدن و بازساخت اقتصادی را مشترکاً در فرایند این دگرگونی موییداند. فرایندی که طی آن نابرابری‌های اجتماعی و دوگانگی فضای کالبدی و اجتماعی نمایان می‌شود (Zhihang, ۲۰۰۴, P. ۶).

شهر چاکارتا در اندونزی نیز تحت تأثیر ورود این کشور به فرایند چهانی شدن و تغییر نفس و عملکرد چاکارتا بازساخت گردید. در این فرایند تغییرات و سیاست‌های خدماتی، دچار تغییراتی است که در بخش های پیرامونی چاکارتا در نظام بین المللی دانست. عوامل یاد شده در مقیاس کشوری بروزکرد سیستمی به شهرها، عوامل مداخله گر در بازساخت شهری خارج از زیرسیستم شهرها را می‌توان عوامل بیرونی درنظر گرفت. در اینجا منظور از عوامل بیرونی، عوامل خارج از سیستم شهرها مدنظر می‌باشد. بطور مثال Pacione, ۱۹۹۸, P. ۲۲۲).

معتقد است تغییرات شهری در شهرهای بزرگ آسیایی بیانگر رشد شهر یا کاهش آنها در چهارچوب تأثیرات و عامل «جهانی شدن اقتصاد» و «تغییرات اقتصادی اجتماعی و سیاسی شهرها در مناطق» بوده است. پویایی شهر سنتگاپور نمونه‌ای از تأثیر نشش سیاسی دولت در چهارچوب اقتصاد جهانی بوده است (Paciane, ۲۰۰۰, P. ۱۰۲-۱۰۴).

بازساخت شهری شهربازانگهای در چین نیز نتیجه رابطه مقابله نیروهای جهانی و عوامل محلی بوده است. تغییرات شهری شانگهای پس از دوره اصلاحات، عمدها تحت تأثیر نیروهای جهانی و درکنار آن نشش دولت نیز بعنوان یک رکن مهم در تمامی دوران ها مطرح بوده است. درنتیجه اعمال اصلاحات اقتصادی، فرم و ساختار اجتماعی شانگهای دچار دگرگونی شده و سهم بخش خدمات در اقتصاد ملی بر جسته می‌گردد (Zhengji, ۲۰۰۰).

درنتیجه بخش مرکزی شهر محل استقرار فعالیتهای خاص خدماتی و سکونت اشاره تهدیدست شهری گردید و به مرور توسعه بی‌رویه و خودبخودی مسکن در این نواحی توسط ای خانمانها و زاغه نشینها شروع گردید. بخش اعظم جمعیت جذب شده به شهرها، ناتوان از دستیابی به مشاغل رسمی، جذب مشاغل غیررسمی گردیدند (همان مأخذ، ص ۸۴).

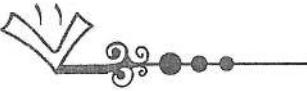
۴- عوامل موثر در فرایند بازساخت شهری:

بررسیهای انجام گرفته نشان می‌دهد که فرایند بازساخت شهری تحت تأثیر اقدامات اقتصادی را مشترکاً در فرایند این دگرگونی موییداند. فرایندی که طی آن نابرابری‌های اجتماعی و دوگانگی فضای کالبدی و اجتماعی نمایان می‌شود (Zhihang, ۲۰۰۴, P. ۶).

شهر چاکارتا در بازساخت شهری را می‌توان مشتمل بر عواملی چون جهانی شدن، بازساخت اقتصادی، سازاری شدن سرمایه‌های بین المللی و تغییر نقش شهرها در نظام بین المللی دانست. عوامل یاد شده در مقیاس کشوری بصورت عوامل بیرونی عمل می‌نمایند در حالیکه، با یک رویکرد سیستمی به شهرها، عوامل مداخله گر در بازساخت شهری خارج از زیرسیستم شهرها را می‌توان عوامل بیرونی درنظر گرفت. در اینجا منظور از عوامل بیرونی، عوامل خارج از سیستم شهرها مدنظر می‌باشد. بطور مثال Pacione, ۱۹۹۸, P. ۲۲۲).

معتقد است تغییرات شهری در شهرهای بزرگ آسیایی بیانگر رشد شهر یا کاهش آنها در چهارچوب تأثیرات و عامل «جهانی شدن اقتصاد» و «تغییرات اقتصادی اجتماعی و سیاسی شهرها در مناطق» بوده است. پویایی شهر سنتگاپور نمونه‌ای از تأثیر نشش سیاسی دولت در چهارچوب اقتصاد جهانی بوده است (Paciane, ۲۰۰۰, P. ۱۰۲-۱۰۴).

بازساخت شهری شهربازانگهای در چین نیز نتیجه رابطه مقابله نیروهای جهانی و عوامل محلی بوده است. تغییرات شهری شانگهای پس از دوره اصلاحات، عمدها تحت تأثیر نیروهای جهانی و درکنار آن نشش دولت نیز بعنوان یک رکن مهم در تمامی دوران ها مطرح بوده است. درنتیجه اعمال اصلاحات اقتصادی، فرم و ساختار اجتماعی شانگهای دچار دگرگونی شده و سهم بخش خدمات در اقتصاد ملی بر جسته می‌گردد (Zhengji, ۲۰۰۰).



سیستم و روابط میان اجزاء براساس هدف جدید تغییر نمود و در کل موجبات تغییر عملکرد سیستم می گردد. شاخص هایی نظری: همه جانبه بودن تغییرات، بلند مدت بودن تغییرات، کمی و کیفی بودن تغییرات، الزام مداخله سیاستهای دولت و بازگشت تا پذیر بودن محتوی تغییرات، می توان عنوان شاخص های تمیزدهنده مفهوم «بازساخت» از مفهوم «تغییر» برشمرد.

عوامل موثر در فرایند بازساخت بصورت عوامل چند بعدی و با ارتباط متقابل در بخش های مختلف جامعه دخالت می نمایند. جهانی شدن اقتصاد، انتقالی با تفاوت های جدید، افزایش سطح تحركات فردی، سیاست های دولت و بازساخت اقتصادی را می توان عنوان برخی از عوامل مهم و موثر در جریان کلی بازساخت برشموده. ارزیابی تجربیات جهانی در فرایند بازساخت، شکل گیری جدید فعالیت های بخش خصوصی در شهر، تغییر در روابط فضایی میان شهر و منطقه ای، ملی و بین المللی، تغییر بازار مسکن و افزایش قیمت اراضی به کاربریهای شهری، صورت می گیرد.

طرح پدیده بازساخت بیانگر دگرگونیها و تغییرات خاصی از جامعه است که با روند تکامل طبیعی در جامعه متفاوت است. از این نظر مفهوم بازساخت مواردی مفهوم تغییر میباشد. تغییرات موردنظر در فرایند بازساخت، تغییرات مهم کمی و کیفی در ساختارهای اجتماعی- اقتصادی- درنتجه تغییرات کالبدی است. نگرش جغرافیایی به مفهوم بازساخت در حوزه تغییرات کمی و کیفی ابعاد اقتصادی- اجتماعی و فیزیکی جامعه قابل تشریح می باشد.

علیرغم کاربرد اولیه مفهوم بازساخت در حوزه های اقتصادی، این مفهوم در سایر حوزه های اجتماعی و فیزیکی نیز گسترش یافته است لذا مفهوم بازساخت، دگرگونی محیط جغرافیایی شهرها و روستاهای ری تواند دربرگیرد. در فرایند بازساخت شهری، فرم خاصی از شهر خالق می گردد و فرم خاص شهر جایگاه هر طبقه و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی شهر را تعیین می کند.

بازساخت مخصوص فرایندی است که طی آن ساخت جدیدی متفاوت از ساخت اولیه ایجاد می گردد. در این فرایند دخالت عامل یا محركه ای خارج از سیستم برای اعمال تغییرات بازساختی ضروری است که دراثر آن عناصر

فهرست منابع:

فارسی:

- آشوری - داریوش، «فرهنگ واژگان علوم اجتماعی»، ۱۳۷۶.
- آرایپور کاشانی - عباس، ۱۳۶۸، «فرهنگ واژگان دانشگاهی انگلیسی به فارسی»، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بذرگ - محمد رضا، ۱۳۷۸، «بررسی و شناخت ساخت اصلی شهر، نمونه موردی شهر شیراز»، تهران، رساله دکتری، شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.
- پرهیزکار - اکبر و حسن اسماعیل زاده، ۱۳۸۴، «رویکرد سیستمی در جغرافیا و برنامه ریزی شهری»، مجله آموزش جغرافیا دوره نوزدهم، تابستان ۱۳۸۴، صفحه ۴۰-۴۶.
- توسلی - غلامحسین، ۱۳۷۰، «نظريه های جامعه شناسی»، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- دولفوس - اولیویه، ۱۳۷۳، «تحلیل جغرافیایی»، تهران، مترجم: سیروس سهامی، نشر نیکا.
- شکویی - حسین، ۱۳۸۲، «اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی»، تهران، جلد دوم، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی.
- موسی کاظمی - مهدی و علی بدري، ۱۳۸۳، «جغرافیای شهری و روستا شناسی»، چاپ اول، انتشارات پیام نور.
- يانگ - وو - نام، ۱۹۷۹، «ساختار داخلی مادرشهر در کره جنوبی»، ترجمه: ناهید فلاحیان، مجله آموزش جغرافیا، سال سو:
- شماره ۶۵، صفحات ۱۸-۲۲.



حسام ریاحی اصفهانی
دانشجوی کارشناسی شهرسازی

روم

و امپراطوری

رم شهری وسیع، ارگانیک و با جمعیتی بالا بوده است. در مقابل شهرهای شکل گرفته بدست رومیان، کوچک، دارای طرحی ساده و بافتی شطرنجی بودند.

رومی ها برای آنکه بتوانند بر پهنه های وسیع تحت سلطه خود حکمرانی و آن را حفظ کنند، هزاران اردوگاه محصور، معروف به کسترا (۱) را بنا نهادند. این اردوگاه ها در مدت زمانی کوتاه و بلا استثنا بر اساس طرحی شطرنجی شکل گرفته بودند. هر چند اکثر آن ها اردوگاه های موقت بودند اما اساس بسیاری از شهرهای پایدار را تشکیل دادند. این اردوگاه ها بیش از آنکه برای دفاع ساخته شوند برای حمله بودند و حیات آن ها به دسترسی بستگی داشته است. بنابراین بسیاری از آن ها در محل تلاقی جاده ها و گذر رودخانه ها بوده اند. البته علاوه بر این گونه شهرها، شهرهای نیز برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی بنا نهاده شدند.

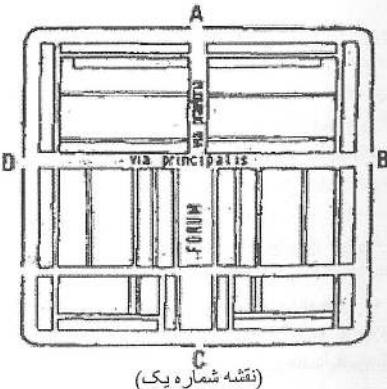
تمامی این شهرها - چه کستراها و چه شهرهایی با منشاء خاص - دارای طرحی ساده و استاندارد بوده اند. شکل شهر معمولاً مرتعی با مستطیل بوده است که دو خیابان عمود بر هم آن را به چهار بلوک تقسیم می کرده است. خیابان شمالی - جنوبی را معمولاً کاردو (۲) و عمود بر آن، دکومانوس (۳) نام خیابانی بوده است که از وسط شهر می گذشته است. خیابان های فرعی این طرح شطرنجی را کامل می کرده است و بلوک های ساختمانی معروف به اینسولا (۴) را بوجود می آورند. های ساختمانی معروف به اینسولا (۴) را بوجود می آورند. فوروم ها-۵- مشابه رومی آگورای یونانی -

نقشه شماره دو، کروکی شهر رم در وسیع ترین حدودهای آن هفت تپه
را شامل شده و شکل آن ها را نشان می دهد

در آدامه تاریخ شهرسازی باستان و پس از تمدن یونان، رومی ها قرار گرفته اند. تاریخ روم را می توان به سه دوره تقسیم کرد: دوران پادشاهی (۷۵۳-۵۱۰ ق.م.)، دوره جمهوری (۵۰۹-۲۷ ق.م.) و نهایتاً دوره امپراطوری (۲۷ ق.م. تا ۳۳۰ میلادی). رومی ها در ابتدای تنها می خواستند بر شبے جزیره ایتالیا حکمرانی کنند، اما با گذشت زمان و موقع جنگ ها اندیشه حکمرانی بر غرب و تبدیل شدن به یک قدرت جهانی در بین آن ها شکل گرفت. تا آنکه توائینستند وسعت سرزمین تحت سلطه خود را تا دجله افزایش دهنند.

مهم ترین دستاوردهای رومی ها پایه گذاری و اداره امپراتوری عظیم ذکر شده است. آن ها توائینستند شهرنشستی (که در بسیاری از نقاط اروپا ناشناخته بود) را در سرتاسر اروپا تا راین و دانوب پگشتراند. شهر رم با جمعیتی بالغ بر یک میلیون و دویست هزار نفر پایاخت این امپراتوری بوده است. اداره این پایاخت شلوغ با توجه به امکانات و پیشرفت های علمی آن دوران خود نشان از توائینی سازمان دهی آن ها وجود مهندسان توانا دارد. هم چنین رومیان با استفاده از زبان هنری یونانی ها توائینستند در زمینه معماری و مجسمه سازی حرف هایی تازه برای گفتن داشته باشند.

شهرسازی روم : تاریخ شهرسازی روم را می توان به دو بخش رم و شهرهای طراحی شده تقسیم کرد. چرا که تفاوت بسیاری میان آنچه در رم اتفاق می افتاد با دیگر شهرها وجود داشته است.



بر دویست روز تعطیل در قرن سوم وجود داشت که بخش اعظم آن به برگاری مسابقاتی اختصاص پیدا می کرد که دولت هزینه آن را می پرداخت. برگران مرکز تفریحی رم سیرک ماکسیموس بود که حداقل دویست و پنجاه و پنج هزار نفر را در خود جای می داد. چندین حمام عمومی نیز در شهر برای بهره برداری بهتر از اوقات فراغت ساخته شده بود.

تیمگاد، یک نمونه از شهرهای ساخته شده در دوره امپراتوری روم :

شهر تیمگاد یک نمونه خوب از شهرهای نظامی رومی در شمال آفریقا می باشد که آثار آن بخوبی حفظ شده است. مامور در تیمگاد را نمونه ای از هنر شهرسازی رومی در اوج شکوه خود می داند. این شهر طی مدت زمانی کوتاه طراحی و ساخته شده است. هدف ساخت آن اسکان بازنیشتنگان یک لشکر بوده است. شهر در طول زمان سادگی خود را حفظ نموده است و چون شهرهای شلوغ تر، فشار ناشی از رشد شتابان به غیری و تحول بافت آن تینجامیده است. شهر دارای بافت شطرنجی غیر قابل انعطافی بوده و یارده خیابان متقاطع در دو جهت مختلف بلوک های مریع شکل به نام اینسولا را بوجود دارد. در ابتداء شهر چهار مرکز شهری در رم در یک دره ساخته شده بوده است. این مرکز که در ابتداء تها از زمینی ساخت و کلبه های بدوي تشکیل شده بود توسط دیوار محصور شد. دیوارها دلایل دفاعی و برای جلوگیری از اقوام مختلف براي مالان تبدیل شد. این مرکز از دو طریق توسعه یافت: نخست با رشد طبیعی کنترل شده ای که در جانب جنوب شرقی قرار داشت تا اینکه نهایتاً به دیوار کلیسوم (۱۳) رسید و رشد آن متوقف شد و اینکه ساختن فروم های سلطنتی بود که راه های ارتباطی که مناطق مختلف شهر را به هم وصل به ترتیب خاصی قرار گرفته بودند. محور اصلی آن بعدها می کردند سه گونه بودند: ایتیرا (۹)، گذرهای فقط براي طراحی شد. مرکز نخستین این سری فروم ها قسمتی از رومیوی هشت (۱۴) را بوجود آورده و به درستی بنام فروم توانتس عبور کند و (۱۱) که دو کالسکه هم زمان از آن می رومانوم مانکن ۱۵ نامیده می شود. عنوان فروم رومانوم بطور کلی به سری ساختمان ها و فضاهایی که در جهت جنوب عبور می کردند. البته ویاها بودند که رم را با سایر مناطق ارتباط می دادند.

امپراتوری روم برای آنکه نیروی بالقوه جماعت شهری ضد حکومتی را منحرف کند به اعطای کمک های بلا عوض می پرداخته است. بر اساس برآورده که انجام شده است حدود یک سوم تا یک دوم افراد به طور مستقیم یا غیر مستقیم از این کمک ها بهره می برده اند. علاوه بر این دولت خانواری و مربوط به قشر مرتفه بود. این خانه ها به شکل حیاط مرکزی بودند. دیوارهایی بیرونی، فاقد پنجره یا همچیز دیگری که مراحم محرومیت ساکنین باشد، بودند. دیگر نوع مسکن در روم، اینسولا نام داشت که به شکل آپارتمان های امروزی بودند. این منزل که ارتفاعشان به سه طبقه هم رسیده بود برخلاف دومیوس ها دارای پنجره و راه پله هایی در دیوارهای بیرونی خود بودند. ساکنان آنها افراد عادی جامعه بودند و چون تعدادشان بسیار بیشتر از مرغهین بود، می توان گفت رمی ها بیشتر آپارتمان نشین بودند. البته برای جلوگیری از فرو ریختن بناها مجبور شدند حداکثر ارتفاع ۷۰ فوتی را در نظر بگیرند.

اقتصاد رم برای واردات بود. شهر رم در آن زمان سه بندار

آنها اهمیت بسیاری یافته بود. شهر رم در آن زمان سه بندار آگوستوس (۷) سازمان دهنده دیواره روم پس از سقوط داشت: اسپیا، پورتوس (۱۲) و برکه تیبر که در درون شهر جمهوری رم را به ۱۴ منطقه که هر کدام از چند انسوس (۱) قرار گرفته بود. این بندار در کنار رودخانه تیبر قرار گرفته بودند. هر کدام شامل تعدادی بورتی بودند. این بورتی ها یا پنج ویسوس شد، که برای هر کدام یک اداره خاص می پرداختند. اسکله ها هر کدام به تجارت کالایی خاص در نظر گرفته شد. البته قبل از آن رم در زمان پادشاهی نزو یکباره در کنار این بندار، در درون شهر بازارهایی وجود داشتند که کالایی مورد نیاز مصرف روزانه مردم در آن ها عرضه می شد. البته این بازارها نیز هر کدام به تبادل کالایی خاص می افراط تر کشیده شود و رعایت فاصله بین ساختمان دادند و هایی فراغت شدند. تجربه این آتش سوزی باعث شد تا خایله ای از شهر قرار می گرفته است. حصاری نیز شهر را در در خارج از شهر قرار داشت. البته در دورانی که روم به اوج قدرت خود رسید، حصار را حذف کرد. با افول امپراتوری این حصارها پیرامون شهر ثابت شدند. (نقشه شماره یک)

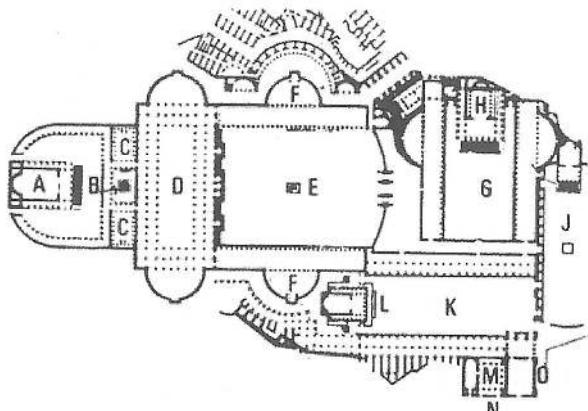
نقشه شماره یک، یک اردوگاه رومی :

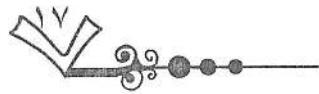
رم ۶:

رم در ابتداء شامل هفت تپه مجزا بود که بر روی هر کدام دهکده ای بنا شده بود. این تپه ها بالاتر از دشت سیلانی تیبر (نام رودخانه ای که از غرب این تپه ها عبور می کند) قرار گرفته بودند. این مکان مشکلاتی نظیر سیلاب، بیماری مخصوصاً مalaria، آسودگی رودخانه و در نتیجه آسودگی آب آشامیدنی، ضعف قابلیت جذب خاک و تپه ای بودن متعلقه داشت. (نقشه شماره دو)

با توجه به ازدحام جمعیت این شهر نیازمند سیستم دفع فاضلاب و شبکه آبرسانی بود. اما ساخت این تاسیسات خود مانع گسترش های آتی آن شد. آب مصرفی در ابتدای امر از رودخانه تیبر تأمین می گردید. به تدریج با ورود فاضلاب به رودخانه آب آن آسوده شد، تا آنجا که دیگر امکان استفاده نبود. بنا بر این به متبع جدیدی برای تأمین آب نیازمند شدند.

آن ها آب را از چشمته های اطراف با مهندسی خاص به شهر آورند. برای این کار پل ها، کانال ها و تاسیسات خاصی را احداث کردند.





فضا، مکان و قلمرو: چار چوب تحلیلی

نویسنده: پال چنکینز

ترجمه و تلخیص: امیر یدالله پور

دانشجوی کارشناسی شهرسازی

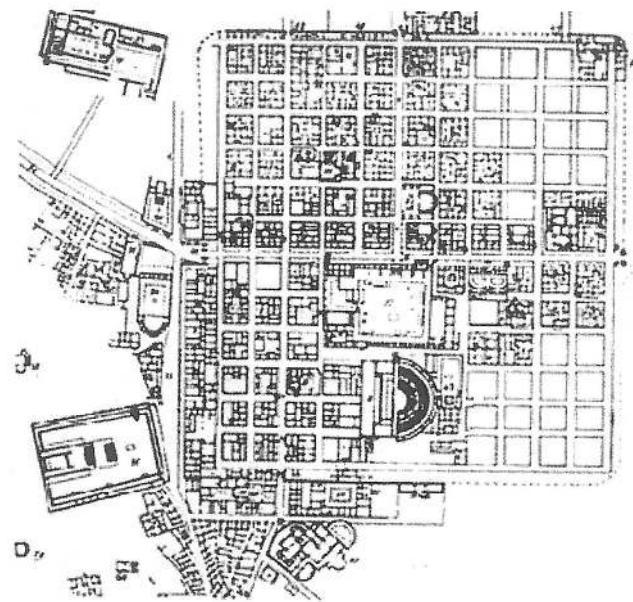
از این همه در
یکی حتماً واقعی است
یکی از این همه در باید باز شود
کاش کمکام می‌کردی تا لباس نمایش را در آورم
کاش مرا از این صحنه بیرون می‌بردی
از این دکور سهمگین
با این همه در

فردریکو گارسیا لورکا

از دیگرسو مکان به ادراک و معنای اجتماعی-فرهنگی فضا رجحان می‌دهد و به یک عنصر مهم برای هویت اجتماعی - چه فردی و چه جمی - بدل می‌گردد: چیزی که جغرافیای اجتماعی نام می‌گیرد. در جوامع پیچیده در معانی هویت مکانی هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، همپوشانی وجود دارد. ابراز این گونه‌ی هویت اجتماعی چیزی است که به آن «تصویر ذهنی» گفته می‌شود، تصویری که به وسیله‌ی آن فضای کالبدی را در ذهن ثبت می‌کنیم، بنابراین اعضای جامعه ممکن است سطحی که در آن زندگی می‌کنند را متفاوت عنا کنند و بر اساس ادراک و فعالیتشان در آن جا، از واژگان متفاوتی برای توصیف آن سود جویند. علاوه بر این، یک فرد ممکن است حین توصیف آن سطح برای افراد مختلف و یا در طول زمان، از راههای گوناگونی برای ایجاد تصویر ذهنی اش استفاده کند. همچنین مکان یک مفهوم نسبی است چراکه به طرق مختلف رویکردهای اجتماعی-فرهنگی و درک رابطه‌ی بین عناصر وابسته است. گروه‌بندی اجتماعی-فرهنگی اگرچه در طولانی‌مدت ممکن است باعث بی‌نظمی در ادراک گردد، اما سنت‌هایی گوناگونی در تصویر ذهنی و یا «پیوندهای اسطوره‌ای» پدید می‌آورد که برای گفتمان پیوسته‌ی هویت به کار می‌روند. به بیان دیگر در جوامع پیچیده‌ی امروزی گروه‌های اجتماعی-فرهنگی مختلفی وجود دارند و این

در این بخش سعی می‌شود مفهوم اصطلاحات فضا، مکان و قلمرو و ارتباط آنها به عنوان عاملی در برنامه‌ریزی فضایی را بیان گردد. این تأکید از این رو است که این اصطلاحات در ادبیات برنامه‌ریزی به طرق مختلفی به کار می‌روند، لیکن معنای دقیق و مشخصی ندارند و پایه‌ی دلالتی متفاوتی دارند.

اصطلاح فضا در اینجا برای دلالت بر موقعیت کالبدی به کار برده می‌شود و در مقابل، دو اصطلاح دیگر مکان و قلمرو نسبت‌ها و صفات کالبد را نشان می‌دهند. دو راه برای ادراک فضا وجود دارد: راه اول فضا را مجرد و واقعی می‌پنداشد، فضا - چه برشاد یا خالی - وجود دارد و شکل دهنده و شامل عناصر کالبدی است. ایده‌ی «فضای کامل» مخالف این نظر قرار دارد که فضا را به وسیله‌ی چیزهایی که در آن وجود دارد معنا می‌کند و قابلی به این است که فضا نسبی است. هویت جغرافیایی فضا - در تعریف دوم - با استفاده از اعدادی نسبی و قراردادی (طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا) مشخص می‌گردد. وجود شاخصه‌های کالبدی بر اقتصاد خرد فضا مؤثر است و فاصله‌ی بین دو موقعیت فضایی در اقتصاد کلان معنا می‌یابد که این مسئله با مفهوم قلمرو تداخل می‌یابد.



نقشه شماره ۳ شهر تیمگاد

(Endnotes)

Castra ۱

Cardo ۲

Decumanus ۳

Insulae ۴

Forum ۵

Rome ۶

Augustus ۷

Vicus ۸

Itinera ۹

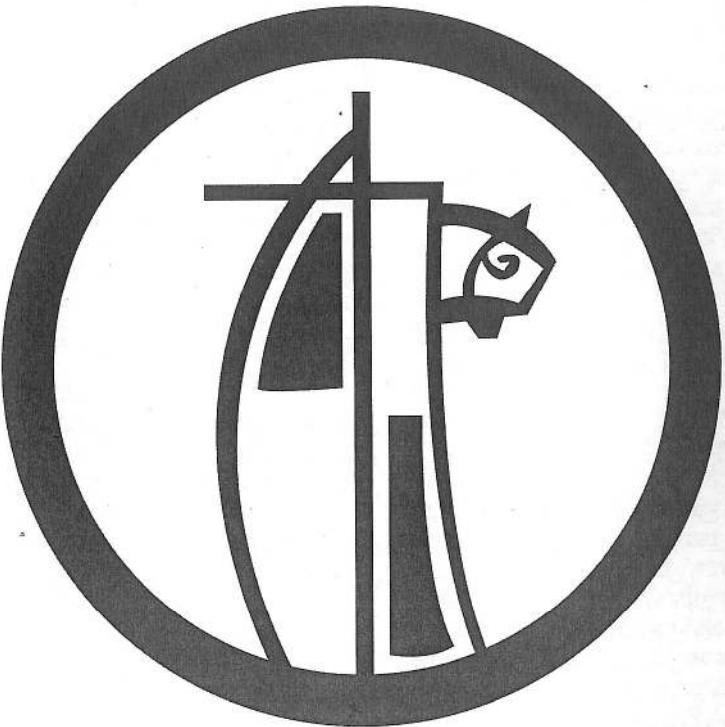
Actus ۱۰

Viae ۱۱

Portus ۱۲

Colosseum ۱۳





هندسه

سبب می‌شود تصویر ذهنی و واگان منحصر به فرد (هویتمند) برای هر مکان پدیدار گردد. اگرچه مکان در این چارچوب تحلیلی با اصطلاحات اجتماعی-فرهنگی تعریف شده است، اما در آن جنبه‌هایی از اقتصاد خرد هستند که بیشتر از ساختار کلان اقتصادی، به آن ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی متصل می‌شوند.

اصطلاح قلمرو جنبه‌ی حقوقی یک فضا را توضیح می‌دهد که با مرزهای رسمی و قانونی که فضا را قبل اندازه‌گیری می‌کنند، تبدیل به نقشه می‌شود و حتا می‌تواند (مانند مورد حصارها) حضوری کالبدی پیدا کند. بین روش‌های مختلف رابطه‌ی شناخت و ادراک تأکیدات متغیری وجود دارد که از آن‌ها می‌توان به ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی، شرایط اقتصادی و فریندهای سیاسی اشاره کرد. این موارد همه در اهمیت و هویت مکان مؤثر اند و از این رو باید تعریف دقیقی از هویت اجتماعی-فرهنگی ارائه گردد، به طوری که تغییرات در ساختار حقوقی-سیاسی حاکم در آن مدنظر باشد. جدول زیر روابط موجود در نظام فضا، مکان و قلمرو را با توجه به راهکارهای متفاوت شناخت و ادراک بیان می‌دارد:

قلمرو	مکان	فضا	
نقشه‌ها	نقشه‌ی ذهنی و دلالات فرهنگی	هویت جغرافیایی	کالبدی
عوامل اقتصادی کلان - مثل مالیات، تعرفه‌ها، مرکزهای اقتصادی	عوامل اقتصادی خرد	منابع طبیعی و عوامل فاصله	اقتصادی
مرزها و معانی اختیارات و توائی‌ها	متابعت، پذیرش و حکمرانی	در نظام سیاسی	حقوقی اسیاسی
هویت اداری و رسمی	هویت اجتماعی	هویت اداری	اجتماعی-فرهنگی



پایداری اجتماعی

عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری
دانشگاه شیراز

در معماری

سارا جعفرپور، آسیه اسلامی
دانشجو کارشناسی ارشد دانشکده
هنر و معماری دانشگاه شیراز

مقدمه

بیشتر نظرات و پیش‌بینی‌ها درباره انجیار جمیعت مربوط به عوامل اقتصادی، کمبود مواد و مصالح و تمام شدن منابع طبیعی است. اما خطیر دیگر و بزرگتر نیز موجود است و آن خطر از بین رفتن زیبایی و سلامت روانی انسانی است. همین طور وازه «با هم بون» و مفهوم آن را ممکن است زیاد جدی نگیریم، اما جدایی روزافروزن آدمیان از یکدیگر و سایر مظاهر حیات در این سیاره مسئله‌ای بسیار جدی است.

سابقه مفهوم پایداری به اواخر دهه هفتاد میلادی باز می‌گردد، ولی مفهوم پایداری اجتماعی از سال ۱۹۹۰ در ارتباط با شخص و اهمیت شد و در سال ۱۹۹۴ در اجلاس سکونت گاه‌های بشر در استانبول بیشتر از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفت. اجلاس استانبول منجر به پیدایش دو نگرش و جریان کلی در تعریف پایداری اجتماعی گردید.

تعاریف مختلف پایداری اجتماعی:

پایداری اجتماعی در یک روند تکاملی در حال شکل گیری است و به دلیل نامحسوس بودن فاکتورهای ارزیابی و شناخت مفهومی آن، تغییرات دائمی در تعاریف و ناهمانگی مطالعات دیده می‌شود.

همانطور که ۲۰۰۵ Litting&GriBlen، مطرح می‌کنند، نگرش به پایداری اجتماعی بر پایه تعریف نظری موضوع نبوده و نیست بلکه بر اساس درکی عملی از «قابل قبول بودن» و «پذیرفته بودن» سیاستگذاری‌های توسعه پایدار از دید اجتماعی بوده است.

DFID، ۲۰۰۲ در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده اند: عدالت اجتماعی، همیستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا مؤلفه‌هایی چون فرستاده‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسانها، زندگی همراه با تعاوون و همکاری، فرستاده‌های برابر برای تمامی افراد در جهت ایقای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت امراض معاشر و ایمنی سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته اند.

Chiu، ۲۰۰۳ پایداری اجتماعی را به طور گسترده به عنوان نگهدارش و بهبود رفاه نسل کنونی و نسل آینده تعریف کرده است.

دکتر فلاح، دکتر علی آبادی

پایداری اجتماعی عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری
دانشگاه شیراز

نقش فرهنگ

در این پژوهش یکی از رویکردهایی که به معماری پایدار وجود دارد، رویکرد فرهنگی - اجتماعی است. در رویکرد اجتماعی، محقق ابتدا خود را با دنیای فرهنگی و معنایی استفاده کنندگان از فضا آشنا نموده و سپس معماری را معرفی و تحلیل می‌کند. در رویکرد فرهنگی - اجتماعی مردم همه سرزمین‌های کره خاکی از مردم با زندگی قبیله ای و حتی در اولیه آن تا مردم جوامع شهرنشین و ساخته‌های آنها قابل مطالعه و کنکاش می‌باشد. فرهنگ یکی از عوامل مهم در چگونگی شکل گیری فضاهای معمومه ای از نیازهای انسانی باشد و به نوعی شکل گرفته باشد و شمار می‌آید. گاهی برخی فرهنگ را حتی مهمتر از اقلیم ای از ارتباط با محیط انسانی بیرون، پاسخ‌گوی مجموعه ای از عوامل انسانی باشد و به نوعی شکل گرفته باشد و شمار می‌آید. گاهی برخی فرهنگ را حتی مهمتر از اقلیم اعمال در حمله اول بر می‌شمارند. فرهنگ را در یک تعریف بسیار کلی می‌توان ادعاهای عدالت اجتماعی، ارزش هاس انسانی و مشارکت را هم پاسخ‌گوی باشد.

King ۲۰۰۸: پایداری اجتماعی را به معنای رضایت از نیازهای اساسی بشر، ادامه نسل بشر و به دنبال آن ادامه فرهنگ تعریف می‌کند.

معمارهای موثر در طرح در معماری صورت مسئله و بیان جزئیات آن بخشهای کالبدی اساس ساختمندان و نیز فرم در طرح اهمیت می‌یابد و ظرفیه خطری که در حال حاضر در مقابل معماران موجود است، شکل دادن به محیط، ایشان را ناگذیر می‌کند که در عرضه تازه محیط سکونت را به عنوان عرصه گسترش و پیوسته برای عمل پذیرانه کنند. طراحی باید با در نظر گرفتن تمام اطلاعات علمی، اجتماعی و فنی که خارج از عرصه کار وی قرار دارند و تاثیرشان بر کار وی غیر مستقیم است، راه درک استفاده از تمام تغییرات تازه‌فنون و منابع را بیاموزد.

نخستین قدم در مراحل تهیه طرح آن است که نیروهای موثر در طرح به وضوح بیان شوند و بیان آنها نظم به وجود آورد. برای موقوفیت طرح، نخستین قدم در طراحی معماری باید از «خود مسئله» آغاز شود. موثرترین راهی که طراح می‌تواند بیاند این است که مسئله را به بیانی روشن تعریف کند و این تعریف مسئله خود او را چون اهرمی به کار می‌آید.

به همین منظور در ادامه به بررسی و شناخت معیارهای اقتضایی، شدت وزش باد و تامین امنیت فیزیکی و روانی می‌تواند به راحت بودن یک فضا کمک نماید. موضوع امنیت بستگی زیادی به فرهنگ و سطح اجتماعی افراد دارد.

عوامل موثر در پایداری اجتماعی می‌پردازیم:

آزاد میگردد. سطح آزاد شدن فشارها در آسودگی بسیار بالاتر از حالت راحتی است. برای آسودگی عمیق، احساس آسودگی روانی مورد نیاز است.

۳. حضور غیر فعال در فضا، حضور غیر فعال در فضا و منفعل بودن در آن میتواند منجر به آسودگی شود. بیرون آنکه فعال باشد. در گیری منفعل حالتی است که فرد محیط را تماشا می‌کند ولی حرف نمی‌زند و کار خاصی انجام نمیدهد.

۴. حضور فعال در فضا به طور کلی عدم وجود فضاهای خصوصی جایی که انسان با خود پاشد فشارهای روانی را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر منفک شدن بیش از حد از غیر خود نیز برای سلامت روانی انسان مخاطره آمیز است.

۵. کشف نیاز به تحریک احساسات و لذت تجربه فضاهای جدید و مطبوع مربوط به کیفیت کشف فضا است. یافتن و کشف کردن انتیزه ای قوی است که سبب می‌گردد تا انسان‌ها به یک فضای جدید وارد شوند و جهت یافتن دیگر فضاهای واقعی در شهر حرکت کنند. این نیازها و تجلی کالبدی شان در جدول زیر آمده است.

تعادل میان کنترل و حقوق استفاده کنندگان، تعادل میان کنترل از طرای فضاهای باز شهری است. لیچ، یکی از معیارهای ای از نیازهای انسانی که این قرار هستند:

۱- حضور حق دسترسی به فضا است. بدون امکان دسترسی امکان استفاده از فضا و فعالیت در آن وجود ندارد. ۲- استفاده و فعالیت که به توانایی فعالیت فرد در فضا اشاره می‌کند

۳- مالکیت، کیفیتی از کنترل فضا است که اجازه میدهد تا استفاده کنندگان ادعای مالکیت فضا را داشته باشند چه به صورت سمبولیک و به صورت واقعی.

۴- تعدیل، حقی است که اجازه می‌دهد تا استفاده کنندگان فضا را بر حسب نیاز خود تغییر دهند تا فعالیت در آن ساده‌تر شود.

جاگاه آسایش روانی در پایداری اجتماعی طراحی پایدار ضمن آنکه کیفیت محیط‌های کار و سکونت را ارتقا می‌بخشد، نباید خلی به آسایش انسان وارد کند، که به این ترتیب موجب افزایش بهره‌وری و کاهش فشارهای روانی شده و بر سلامت و آسایش افراد

در این پژوهش یکی از رویکردهایی که به معماری پایدار وجود دارد، رویکرد فرهنگی - اجتماعی است. در رویکرد اجتماعی، محقق ابتدا خود را با دنیای فرهنگی و معنایی استفاده کنندگان از فضا آشنا نموده و سپس معماری را معرفی و تحلیل می‌کند. در رویکرد فرهنگی - اجتماعی مردم همه سرزمین‌های کره خاکی از مردم با زندگی قبیله ای و حتی در اولیه آن تا مردم جوامع شهرنشین و ساخته‌های آنها قابل مطالعه و کنکاش می‌باشد. فرهنگ یکی از عوامل مهم در چگونگی شکل گیری فضاهای معمومه ای از نیازهای انسانی بیرون، پاسخ‌گوی مجموعه ای از عوامل انسانی باشد و به نوعی شکل گرفته باشد و شمار می‌آید. گاهی برخی فرهنگ را حتی مهمتر از اقلیم اعمال در حمله اول بر می‌شمارند. فرهنگ را در یک تعریف بسیار کلی می‌توان ادعاهای عدالت اجتماعی از اتفاقات، باورها، سنت‌ها و اقوای انسانی و مشارکت را هم پاسخ‌گوی باشد.

Mckenzie, ۲۰۰۴: پایداری اجتماعی Life-enhancing

(ازفیش کیفیت زندگی) که روند شکل گیری آن در ارتباط با جامعه به دست می‌آید.

Litting & Grie Bler ۲۰۰۵: پایداری اجتماعی (ازفیش کیفیت روابط طبیعت و جامعه علاوه بر کیفیت روابط انسانی درون یک جامعه و روند ارتباطات ای و حتی در اولیه آن تا مردم جوامع شهرنشین و ساخته‌های آنها قابل مطالعه و کنکاش می‌باشد. فرهنگ یکی از عوامل مهم در چگونگی شکل گیری فضاهای معمومه ای از نیازهای انسانی بیرون، پاسخ‌گوی مجموعه ای از عوامل انسانی باشد و به نوعی شکل گرفته باشد و شمار می‌آید. گاهی برخی فرهنگ را حتی مهمتر از اقلیم اعمال در حمله اول بر می‌شمارند. فرهنگ را در یک تعریف بسیار کلی می‌توان ادعاهای عدالت اجتماعی از اتفاقات، باورها، سنت‌ها و اقوای انسانی و مشارکت را هم پاسخ‌گوی باشد.

King ۲۰۰۸: پایداری اجتماعی را به معنای رضایت از نیازهای اساسی بشر، ادامه نسل بشر و به دنبال آن ادامه فرهنگ تعریف می‌کند.

معمارهای موثر در طرح در معماری صورت مسئله و بیان جزئیات آن بخشهای کالبدی اساس ساختمندان و نیز فرم در طرح اهمیت می‌یابد و ظرفیه خطری که در حال حاضر در مقابل معماران موجود

است، شکل دادن به محیط، ایشان را ناگذیر می‌کند که در حال حاضر در طرح اهمیت می‌شود.

همانطور که ۲۰۰۵ Litting & GriBlen، مطرح می‌کنند، نگرش به پایداری اجتماعی بر پایه تعریف نظری موضوع نبوده و نیست بلکه بر اساس درکی عملی از «قابل قبول بودن» و «پذیرفته بودن» سیاستگذاری‌های توسعه پایدار از دید اجتماعی بوده است.

DFID، ۲۰۰۲ در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده اند: عدالت اجتماعی، همیستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا مؤلفه‌هایی چون فرستاده‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسانها، زندگی همراه با تعاوون و همکاری، فرستاده‌های برابر برای تمامی افراد در جهت ایقای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت امراض معاشر و ایمنی سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته اند.

Chiu، ۲۰۰۳ پایداری اجتماعی را به طور گسترده به عنوان نگهدارش و بهبود رفاه نسل کنونی و نسل آینده تعریف کرده است.



بیشتر است تناسب پیدا می کند.

حس بیوایپی: از آنجا که حس بیوایپی نمی تواند هدایت شود، گزینش تجربه بیوایپی فقط زمانی حاصل می گردد که از یک منبع به سوی منبع دیگری جایه جایی صورت پذیرد. بنابراین حس بیوایپی نیز که نیروی بالقوه ای جهت غنای حسی محیط به شمار می رود فقط در مکان های نسبتاً فراخ تجربه می گردد. مثل گیاهان معطر در باع ها و یا در مکان های شهری موقعیت رایج بمانگیز قهوه خانه ها، نایابی ها که امکان گشودن درهایشان به طرف فضاهای بیرونی و کارکردهای جمعی وجود داشته باشد.

حس شنوایی: میزان کنترل ما روی آنچه که می شنویم محدود است. عمل شنیدن به خودی خود امری غیر ارادی است. طوری که فقط زمانی قادر به تمایز بین صداها خواهیم بود که روی یک صدای خاص بیش از سایر صدایها تمرکز نماییم. بنابراین غنای حس شنوایی صرفاً می تواند در فضاهای کوچک حاصل گردد. البته فقط به قیمت تحییل آن به کلیه کسانی که در آن جا به سر می برند. مثل روش کف خانه ای که توسط چارلز مور طراحی شده است که هنگام راه رفتن صدای مختلفی زیر با ایجاد می کند.

حس بسایایی: حس بسایایی ماهیت ای هم جنبه ارادی دارد هم غیر ارادی. ما می توانی صرف حرکت دادن دست آنچه را که می خواهیم لمس کنیم اما زمانی می توانیم از لمس شدن به وسیله یک نسیم یا تابش اشعه خورشید در امان بمانیم که خود را از آن دور ننماییم. مانند میان پورتلند که توسط لارنس هالبرین طراحی شده است که در آن از آب چنان استفاده شده است که دامنه پریاری از تجربیات حسی بساوش در این محیط فراهم می گردد. یا پروژه یک مهدکودک که به وسیله هلن تیگ به انجام رسید تجربه این حس از طریق ایجاد تنوع در بافت کف و دستگیره های در به دست آمده است.

رنگ تعلق (مشارکت مردمی)

مفهوم مشارکت مردمی از ارزش مطلوبیت بالای برخوردار است. اما حتی در بالاترین رده حضور و ظهور مشارکت مردمی اکثریت مردم همچنان مجبور می شوند در مکان های کار و زندگی کنند که به وسیله دیگران طراحی شده است. بنابراین ایجاد این امکان که کاربران بتوانند به محیط های موجود رنگ تعلق بدهنند، اهمیت ویژه ای دارد. این امر در محیط های انعطاف پذیر که امکان حرکت در آن ها

۱-نم / سخت ۲-فعال و غیر فعال

تطبیق پذیری

موضوع دیگری که می توان از درکنار عنوان انعطاف پذیر ساختن فضا استفاده نمود، به کار گیری روش اختلاط کار بری ها است. که از آن به انطباق پذیری نیز باد می شود. به کمک این رویکرد که در نقد تاحیه بندی و به مردم معرفی شوند و امکان تماس با آنها برقرار گردد. جدا سازی کاربری ها شکل گرفت زندگی در طول زمان و فضاها به شکلی متناسب گسترش خواهد شد که این امر به پایداری جریان زندگی در فضا کمک خواهد کرد. از سوی دیگر اختلاط کاربری ها اجازه خواهد یافت تا در جمجمه های مختلف از جمله مجموعه های مسکونی و محله ها، در ارتباطهای آنها به یکدیگر خواهد داشت. این به آن معناست که فضاهای مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد را فراهم می آورند از بروز مزاحمت های بصری

نفوذ پذیری

فقط فضاهایی می توانند به مردم قدرت انتخاب بدهنند که برایشان قابل دسترسی باشند. بنابراین حدی از قدرت انتخاب که یک محیط به مردم می دهد تا بدان طریق از مکانی به مکان دیگر بروند. این کیفیت، نفوذپذیری نام دارد و به دو دسته بصری و کالبدی تقسیم می شود

گوناگونی

مکان های قابل دسترسی و نفوذپذیر فقط زمانی ارزشمند تلقی می گردد که بتوانند تنوعی از تجربیات را عرضه بدارد. گوناگونی تجربه فضا، دلالت بر ویژگی های محیطی مکان هایی می کند که واحد فرم ها، استفاده ها و معانی گوناگون باشد. مکانی که دارای گوناگونی کاربری هاست در واقع در فضاهای همگانی، این خود فضایی هاستند که هر یک به عنوان یک عامل پشتیبان مهندس در برگیرنده گونه های متعدد ساختمانی با فرم های متعدد می شود. یک چنین مکانی انسان های مختلفی را در اوقات گوناگون با منظورهای متعدد به خود جذب می کند. البته یاید در جهت دستیابی به هدف گوناگونی طراحی شده است که همگانی ما یلند که مردمان دیگر را تجربه کنند. بنابراین

غنای حسی (تنوع تجربیات حسی)

طراحی ما یايد به جهتی سوق پیدا کند که تنوع تجربیات حسی را که موجب ازدسته کنندگان هاستند، افزایش دهد. ما چنین کیفیتی را غنای حسی می نامیم. حس جایه جایی (حرکت) : ازدانت حس جایه جایی در قabilت های حرکت در یک مکان نهفته است. بنابراین تجربه حسی غالباً با فضاهای بزرگ که امکان حرکت در آن ها

است. در این مقوله توجه به چند نکته اهمیت دارد: اولاً اینکه این تماس باید در یک سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی از کوچه، خیابان، محله، شهر و حتی خارج شهر (طبعیت بکر) برقرار باشد. ثانیاً عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده نمودن نیازهای عنوی و روانی انسان با توجه به معانی نمادینشان دارند شناسایی و دسته بندی و به مردم معرفی شوند و امکان تماس با آنها برقرار گردد. ثالثاً به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده، این نقش مهم به مردم معرفی می شود.

۶- احترام به حقوق دیگران: مرعی داشتن حقوق سایر همچواری ها تأثیری سزا در شکل گیری فضای مطلوب و ارتباطهای آنها به یکدیگر خواهد داشت. این به آن معناست که فضاهای مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد را فراهم می آورند از بروز مزاحمت های بصری صوتی، روانی و امثال آن پیشگیری می کند

انعطاف پذیری

برای طراحان این تمایل ایجاد می گردد که در داخل ساختمان برای هر یک از انواع فعالیت ها فضا های اختصاصی در نظر بگیرند اختصاصی کردن، غالباً امکان جریان یافتن فعالیت های دیگر را در فضای تخصصی بسی مشکل می نماید. از سوی دیگر این موضوع در باره فضاهای عمومی نیز صدق ا است. فعالیت های جاری در فضا های همگانی، فعالیت های همگانی هستند. جاذبی این فعالیت ها با استناد به دلایل مجریت، دارای منطق عملکردی ضعیفی است. در واقع در فضاهای همگانی، این خود فضای و معانی گوناگون باشد. مکانی که دارای گوناگونی کاربری باشد در برگیرنده گونه های متعدد ساختمانی با فرم های همگانی ما یلند که مردمان دیگر را تجربه کنند. بنابراین

اگر فضای همگانی برای فعالیت های منفک از همدیگر باشد در جهاد از هم قطعه قطعه شود، قسمت اعظم انعطاف پذیری آن از بین می روید.

در اکثر ساختمان ها بخش های مختلف از امکانات بالغه مختلفی چهت تائیر گذاری و مداخله در انعطاف پذیری برخوردارند. دو نوع از این بخش ها به توجهات ویژه ای نیاز دارند.

تأثیر مشتبه خواهد داشت. معماری پایدار شهرهوندان جامعه مدرن را از دست خدعاً کاران و مبلغان مصرف بیش از حد و زبان حرفه ای تصنیعی پر آب و تاب در حال رشد که درهم و برهمه آن، واقعیت های اجتماعی را تیره و تار می کند، می رهاند.

بررسی عوامل موثر در آسایش روانی:

۱- توجه به انسان: مهمترین موضوعی که در ارتباط با معماری باید مورد توجه قرار گیرد، انسان است. انسان، به تبع طبیعت ثلاثه خویش(مشکل از بدن، نفس و روح) نیازهای سه گانه ای نیز دارد که هر یک از این نیازها به قلمرو خاصی از حیات تعلق داشته، فراهم آوردن زمینه پاسخگویی به هر کدام، به تناسب اهمیتی که دارد، به نظر می رسد. آنچه که در وهله اول اهمیت دارد، تأمین توانمن نیازهای مادی(پاسخ به کالبد)، نیاز های روانی(پاسخ به روح) انسان است.

۲- محرومیت: مصون بودن از دید بیگانگان موردی است که آسایش انسان سخت به آن واپس است. به طور مثال، مسکن به عنوان محل امن و آرامش خوانده باید به گونه مناسب از مشرف قرار گرفت در امان بماند. ارتباطات فضاهای داخلی به گونه ای باید باشد که اولًا غریبه ها بر فضاهای داخلی تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خواهاد نیز به طریق مناسب از بگذری تفکیک شوند.

۳- آرامش: آرامش افراد استفاده کننده از فضای کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بینایی دارد. انسان از جهات بسیاری به آرامش نیازمند است که این جهات، ناشی از قلمروهای مختلف حیات انسانی است. ایجاد محیطی آرام در فضای نیز به عواملی همچون مکانیابی آن نسبت به سایر عملکردها، مصالح مصرفی، سلسله مراتب بین درون و برون و ... بستگی تام دارد.

۴- خلوت: اگر ارتباط انسان با جهان هستی را به روابط چهارگانه ارتباط با محیطهای طبیعی و صنعتی و جامعه و تقسیم کنیم، وجود خلوت در محیط زندگی، یکی از مهمترین ویژگیهای کفی محیط است که می تواند به ایجاد زمینه مناسب "رابطه انسان با خویشن" بیناییم.

۵- امکان ارتباط با طبیعت: همچنین یکی از ارتباطات انسان با عالم وجود، ارتباط انسان با طبیعت است. بنابراین انسان از جنبه های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس مداوم با آنها نیازمند





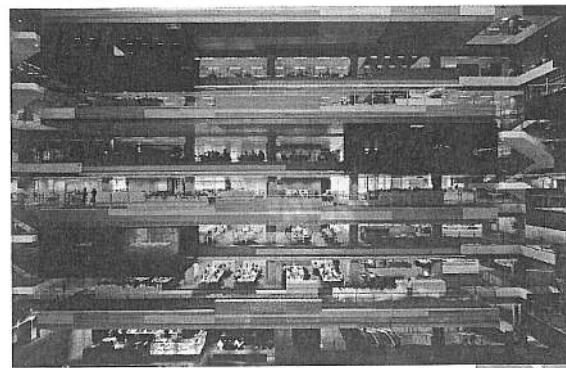
پر سر و صدا و آرام ، گرم و سرد، قلمرویی و غیر قلمروی باعث ایجاد جریان و جنبش شده است .
فضای داخلی

تقریباً ۱۰۵۵ از فضاهای داخلی به فضاهایی جهت ایجاد تعامل و همکاری و ۴۵ آن به محیط های کار (مسیزها و صندلی ها) اختصاص یافته . فضای گونه ای طراحی شده که تا ۳۰ امکان افزایش ظرفیت داشته باشد .

بررسی عوامل موثر در پایداری اجتماعی در مجموعه :

تنوع و گوناگونی:

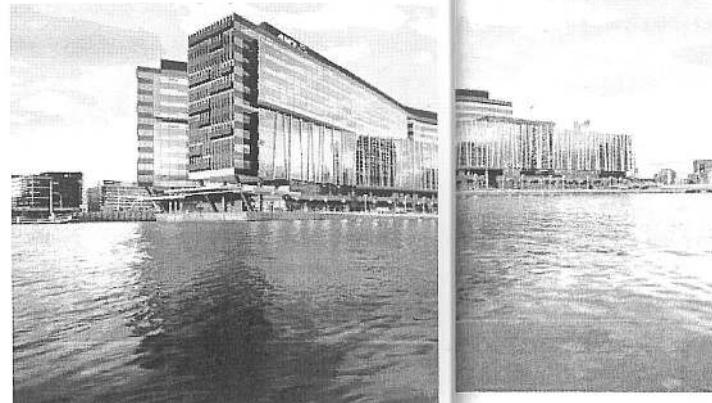
علیرغم مقایس بزرگ آن؛ مرکز ANZ فرستی برای ایجاد درگیری و سرگرمی ها در مقایس کوچک با جامعه محلی خود فراهم می آورد به طریق ایجاد مرکزهای متعددی که به فعالیت های خاص اختصاص داده شده اند .



آترویم مرکزی نمایش سطوح مختلف را به عهده دارد . که ماهراهه از طبقه همکف به بالا پایی گذارد (قدم می گذارد) . هر یک از لایه ها (طبقات) کارکترهای مختلفی را به نمایش می گذاردو باعث یک اثر پویا در فضای عمومی شده است .

نفوذ پذیری

نفوذ پذیری در فضاهای این ساختمان (خصوصاً نفوذ پذیری کالبدی در طبقه همکف) افراد و شرکت کنندگان را به سمت قلب مجموعه دعوت می کند . نفوذ پذیری ها و روابط باعث بالا بردن همکاری و تعامل می شود .



استفاده از اصول شهری در طراحی ساختمان

در هم تنیدگی (پیجیدگی) فضاهای ساختمان باعث شده که ساختمان خود مانند یک عالم صغیر از شهر عمل کند که شامل plazas, laneways، و خیابان ها و مکان های ملاقات رسمی و غیر رسمی است .

اصول طراحی شهری استفاده شده در این ساختمان به منظور به وجود آوردن فضا در بین مکان و پیش هم گذاشتن فضاهای



معرفی پروژه

ANZ مرکزی از بزرگترین و نفوذ پذیرترین دفتر (مرکزی) بانکی در جهان است . تا به حال به ندرت یک بانک یک دعوت عمومی به قلب محل کار خود داشته است .

ساختمان در Melbourne's Docklands قرار گرفته است . فرم های ساختمان الهام گرفته شد، است از رودخانه ای در مجاورت آن و رنگ خارجی ساختمان از طبیعت ماخوذ شده است .

از رنگ زمین در سطح زمین تا نور آسمان آبی در سطح های بالا . این "پرديس شهری" ۱۵۰ متر را در خود جای داده - به تعداد یک شهر کوچک و بزرگترین ساختمان اداری تجاری در استرالیا می باشد .

از کارکردها را در خود جای می دهدن اهمیت ویژه ای دارد رنگ تعلق کاربران را به ایجاد ظواهر متفاوت در ساختمان تشویق می کند .

دل بستگی مکانی دلیستگی مکانی، معنایی است، که ما در محلی که با آن آشناشی کامل داریم پیدا می کنیم و هویت مکان با محیط فیزیکی در ارتباط است، در بسیاری از موارد اینها بمنظور می آید باهم درآمیخته شده و قابل تمايز نیستند . در واقع با پیشرفت دلیستگی مکانی در طول زمان، احساس هویت مکانی نیز شکل می گیرد ولی تفاوت آنها در ضمیری است که به هریک از آنها مربوط می شود . بنظر می رسد هویت مکانی نمی کند، بعنوان مثال ما نسبت به خانه دوران پیشگی خود احساس دلیستگی فراوانی می کنیم ولی در عین حال هویت خود را در شهر پدری خود می یابیم .



کلر مارکوس معتقد است خاطرات محیطی، زندگی ما را، بطرق مختلف تحت تأثیر قرار می دهد . اینها احساس ارتباط با گذشته، احساسی از کنترل، اعتماد به نفس و احساسی از هویت را باعث می شود .

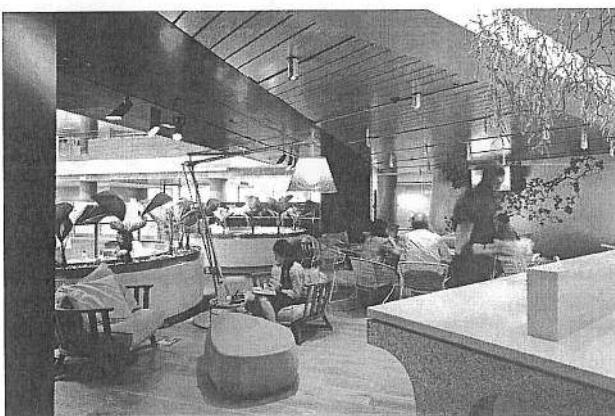
بررسی نمونه موردی

موقعیت پروژه : شهر ملبورن- استرالیا
معمار: Hassell
مساحت پروژه : ۱۳۰۰۰ متر مربع
زمان تکمیل پروژه : ۲۰۱۰



مصالح

متربال و جزیات معماری ساختمان به گونه ایست شخصیت و فعالیت های شهری ملبورن در آن انعکاس می یابند . (فلکت) . روکش بازیافتی فلزی چوب # و انکاس نور در آن یک لینک به دریابی از گذشته حوزه ایجاد می کند .



(Recycled timber cladding)*



HASSELL

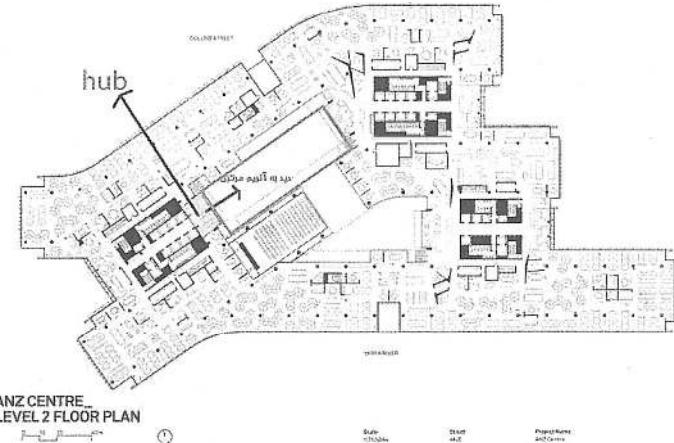
در یک فضای شود . (تطبیق پذیری)
فضاهای مرکز فعالیت (hub):

شخصیت فردی هر کدام از این فضاهای مرکز فعالیت ، بازتاب ماهیت پویای اجتماعی فضاهای کار است و باعث پروش فرهنگ های متنوع و بالا بردن و ارزش نهادن به فرد در فضاهای جمیع می شود

قرار گیری طبقات کاری اطراف این آتیوم و برقراری ارتباط چشمی بین فضای کاری و عمومی این ارتباط را بین کارمندان و استفاده کنندگان تقویت می کند (نفوذ پذیری بصیری) .

انعطاف پذیری و تطبیق پذیری

پلان آزاد و باز فضای اداری به گونه ای انعطاف پذیر طراحی شده تا پاسخگوی فضای کاری متنوع امروزه مجموعه و نیازهای آینده باشد . و باعث شکل گیری انواع فعالیت ها



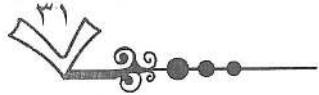


صنايع دستي

- ۱۱-Marie - Helene contal jana revedin, **sustainable design(towards a new ethic in architecture and town planning)**, BIRKHA users, ۲۰۰۹
- ۱۲-Merlina Missimer, Karl-Henrik Robèrt, Göran Broman, Harald Sverdrup ,**Exploring the possibility of a systematic and generic approach to social sustainability** , Journal of Cleaner Production , number ۱۸ , ۲۰۱۰
- ۱۳-Heidi Dumreicher, Bettina Kolb, **Place as a social space: Fields of encounter relating to the local sustainability process** , Journal of Environmental Management, number ۸۷ , ۲۰۰۸
- ۱۴-Joseph A. Tainter , **Social complexity and sustainability, ecological complexity** , number ۳, ۲۰۰۶
- ۱۵-Robert Hagfors , Jouko Kajanoja , **Welfare states and social sustainability** , Presented at the ۸th Annual ESPAnet Conference, Budapest ۲۰۱۰
- ۱۶-<http://www.sciencedirect.com>
- ۱۷-<http://www.elsevier.com>
- ۱۸-<http://www.civilica.com>
- ۱۹-<http://www.archdaily.com>
- ۲۰-<http://www.designboom.com>
- ۲۱-<http://www.e-architect.com>
- ۲۲-<http://sustainable-construction-services.co.uk>
- ۲۳-<http://www.sustainable-development.gov.uk>

فهرست منابع

- ۱- اى ين بنتلى، محیط های پاسخده : کتابى راهنمای برای طراحان ، ترجمه بهزادفر مصطفى ، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۲
- ۲- چرمایف سرجیوس ایوان، الکساندر کریستفر، عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی : به جانب یک معماری انسانی ، ترجمه منوچهر مزینی ، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۷۶
- ۳- لنگ جان ، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط ، ترجمه علیرضا عینی فر، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۸۱
- ۴- آنتونیادس آنتونی ، بوطیقای معماری (آفرینش در معماری) ، ترجمه احمد رضا آی ، انتشارات سروش ، تهران ۱۳۸۱
- ۵- آلتمن، ابرون، محیط و رفتار اجتماعی ، ترجمه على نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۲
- ۶- نعیمی فرشته ، خانواده پایدار - جامعه پایدار، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار پاکرد، جهاشام، کیفیت فضا ، فصلنامه آبادی، شماره ۳۷، ۱۳۸۱
- ۷- رحمانی الهه ، پلان آزاد : نیاز فضایی جدید در معماری داخلی معاصر ایران ، دومین کنفرانس طراحی داخلی ، تبریز ۱۳۸۸
- ۸- پرسنل کرمی ، جایگاه تکنولوژی در معماری سبز و توسعه پایدار، فصلنامه تخصصی معماری طراح ، شماره ۱ ، ۱۳۸۹
- ۹- صالحی عاطفه، فارغی مهدی، برسی آسایش روانی و فیزیکی موثر در پایداری اجتماعی نواحی مسکونی ، دانشگاه هنر اسلامی تبریز ۱۳۸۹



منابع:

تاریخ ایلام . پیر آمیه . ترجمه شیرین بیانی.

مذهب قوم ایلام . محمد رحیم صراف.

دنیای گمشده ایلام . والتر هینتس . ترجمه فیروز فیروز نیا.

حال نیایش، اظهار بندگی میکند نگاهی بیفکنده، همانگونه که شاهزاده مذکور نیز به خود جرأت و جسارت نظر به این همه شکوه خدایی را نمی‌دهد.

این شاهزاده سمت چپ و روپرتو ایزدبانوی بزرگ بصورت نیمه برجسته بر روی جام نقره‌ای تصویر شده است و برخلاف تصویر ایزدبانو، از سمت راست بدنه و بصورت نشسته نقش بسته به گونه‌ای که دست راست وی از زیر لباس بلندش بپرون آمده و بصورت افقی در مقابل سینه قرارداده اما دست چپ وی در زیر لباس مخفی است. موهای بلند او از طرف شانه راست در پشت سرش آویزان است و در روی گیسوی وی تزئیناتی دیده می‌شود. به اعتقاد هینتس آنچه بر سر وی قرار دارد، سربند نیست بلکه یک قسمت دیگر از گیسوی اوست که بصورت بافته از یک طرف سر به طرف دیگر رفته است.

کنیه‌ای در قسمت فوقانی مجلس روى جام بصورت نواری قلم زده شده که خط آن از نوع ترسیمی ایلامی* است و شامل ۴۶ نشانه با مضمون زیر می‌باشد:

«بایار کن، الهمه، بایار کن! من کوری ناهی تی هستم، اهدا کننده آشامیدنی نذری برای پروردگار، ای بخشندۀ پاداش نیک، خیر و برکت! ای الهمه مقدس، نازل شوا لطف و مرحمت الهیت پیوسته باید به بريا دارندۀ عبید از رانی شود. بایار کن! تو این جام را که از سوی یک بندۀ برگزیده مقرب اهدا شده برای وی روز به روز مقدس دار.»

هینتس که این جام نقره‌ای را از جنبه‌های زبان شناختی و هنری بررسی کرده است، برای رمز گشایی و شناخت ایزدبانو آن را با دیگر آثار ایلامی مقایسه نموده و اعتقاد دارد که این ایزدبانو همان ایزد پیروزی ایلام یعنی ناروندی (Narundi) است که این جام آنیتی به پاس احترام وی در زمان پادشاهی کوتیک-این-شوشیناک (۲۲۰-۲۲۴ ق.م.) ساخته شده است (ایلامی‌ها در مجمع ایزدان خود، ایزدی بعنوان ایزد پیروزی داشتند و برای وی نیایشگاه، پیکرک و ظروف نفری ساخته و اهدا نموده اند).

(Linear Script)*

جام نقره‌ای چهارهزار ساله فارس

پولک است. بانوی مقدس بر روی این

لباس شنلی بصورت برگ‌های آویزان پوشیده، طوری که ابتدا دور گردن را

پهلوی راست

می‌بیچد.

پاهای مانند

نقش

برجسته

آنیتی

ایلامی برهنه و از زیر لباس مشهود است. پک رشته گردنبند

نیز

در

گردن

وی

دیده

می‌شود

که احتمالاً تنها وسیله زینتی

این ایزدبانو را تشكیل می‌داده.

حالت آرایش

موها

به گونه‌ای

است که از قسمت زیر جمع و در روی سر و در پشت بست شده است، نیم تاج یا پیشانی بندی نیز بر سر دارد.

با وجود اینکه سر از نیم رخ و از طرف چپ بدنه قلم زنی شده است ولی حالت چشم‌ها کشیده، دماغ کوچک و صورت طریف متناسب با آنها از وی یک ایزدبانو زیبای ایلامی ساخته است. در دو دست این هنوز بدرستی روشن نیست. نگاه ایزدبانو بطرف مقابل و افق دور دست دوخته شده انتگار که شکوه، جلال و مقام انسانی وی اجازه نمی‌دهد که بر الهه یا شاهزاده خانمی که در مقابلش زانو زده و در

شوشیناک*

است. این جام در

سال ۱۳۴۶

خورشیدی

از داخل

یک خمره

سفالین

بزرگ

به همراه اشیایی دیگر در روستای گلیان (از توابع مرودشت)

کشف

گردید.

این محل در حدود

چهار

کیلومتری

نقش

رسنم

قار

دارد.

جام ایلامی

بصورت

اتفاقی

و به هنگام

آبیاری

کشاورزان

در محل

فوق

کشف

شد.

اقای

علی

اکبر

سرفراز

در محل

کشف

جام

مذکور

اعمال

آورده

و به بررسی

های

اطلاعات

دو سال

بعد

به چاپ

رسید.

مشخصات جام نقره‌ای:

اعداد:

ارتفاع

۱۹,۳

قطر

دهانه

۹

و قطر

کف

۱۰,۷

سانتی

متر.

وزن:

۶۰,۵

گرم.

مجلس اصلی آن عبارت است از یک ایزدبانوی باشکوه و

جلال

تمام

که در

سمت

راست

ایستاده

و ایزدبانو یا شاهزاده

خانم

در مقابل

وی

به حالت احترام

نشسته است.

ایزدبانو دارای لباس بلند، آستین کوتاه با تزئیناتی

بشکل



سجاد شکری.

مدرس دانشکده هنر و معماری

دانشگاه شیراز

از هزاره سوم، استاد مدون پادشاهی

های سومر، بابل و ایلام، به پیشرفت هایی

تاریخی در استفاده از فلزات و نیاز به مواد

خام اشاره می کند. در نیمه دوم هزاره سوم

ق.م. استعمال فلز رو به افزایش گذاشت. از

گورستان شوش، تپه حصار، تپه گیان و تپه

گنوبی ابزار مفرغی و زینت آلات مفرغی و تپه ای زیبادی

بدست آمده است.

این مرحله گذار از عصر سنگ به مس، به تدریج رخ داد.

اما در ایران، عصر مفرغ در ۲۰۰ سال ق.م. بخشی پیشرفت

کرد. مفرغ ریزی در لرستان کهن در فاصله سالهای

۱۱۰ تا ۷۰۰ ق.م. رونق فراوان داشت و هنر آنها باعث خلو

اشیاء و آثار بدیع مفرغینی شد که شگفتی همه هنرشناسان

را برانگیخته است. مفرغ کاران لرستان به دستور کاهنان

متولیان دینی و با الهام از نسل های پیشین در تجسم اشکال

خدایان اساطیری، بت ها و مجسمه های مذهبی می ساختند.

دو ران مفرغ در ایران از نظر تاریخی بطور نسبی اوایل هزاره

سوم و اواسط هزاره دوم ق.م. یعنی حدود ۱۵۰۰ سال را

در بر می کرد. بدون تردید پیدایش مفرغ بعنوان یک فلز

آلیازی که برای اولین بار در این دوره ظهر کرد از مهم

مردم لرستان کهن در عصر کاپیت ها متکی بر قدرت های

آسمانی بود. شناخت صور فلکی، حرکت ستارگان، گذشت

زمان و خوشید و ماه در آسمان از جمله مبانی دینی آثار

به شمار می رفت.

آنها زندگی خود را صرف تهیه مقدمات مرگ و زندگی

در جهانی دیگر می نمودند. آثار بدست آمده از لرستان

بیشتر شامل انواع سلاح و بت ها و زیورات زنان است

باورهای مذهبی کاپیت ها در آن زمان باعث تحول و رونق

عظیم در این هنر عالی و ارزشمند شده بود. در مجله بخر

سال ۱۳۴۰ خورشیدی از زبان خانم «رز» ماری فروتنینی

باسستان شناس و صاحب نظر چنین آمده است: «مردی

قبایل لرستان شیعی مفرغی از زمین ببرون آورد و از قراره

می گویند در مقابل یک کپلو شکر آن را به دست فروشی

فروخت. این داستان اولین حلقه و قایعی بود که منجر

کشف، شهرت و قیمتی شدن مفرغ های لرستان شد. از این

پس برای دسترسی به گنجینه این مفرغ ها، حفاری

سراسر لرستان را پیش شد.

این اشیاء متعلق به هزاره دوم ق.م. است. با اینکه حدود نه

قرن از کشف مفرغ های لرستان می گذرد هنوز ابهام زیاد

بعد از گذار از مرحله اولیه تولید مفرغ ارسنیک دار، فلزکاران

در جستجوی تولید برتر به ترکیب مس و قلع بی برند و

بدین ترتیب در تولید مفرغ، ارسنیک جای خود را به قلع داد.

از عوامل این جابجایی، گازهای حاصل از ارسنیک بود که

نگرشی بر پیشینه فلزکاری در ایران

بسیار خطرناک بوده و باعث مرگ می شود
نتایج مطالعات آزمایشگاهی بر روی اشیاء
مفرغی ایران نشان می دهد که از هزاره سوم
ق.م. بطور آگاهانه از عنصر قلع در الیاز مفرغ
استفاده شده است.

عصر مفرغ در لرستان:

در غرب ایران قبایل هیبتیت، میتانی، گوتی، لولوبی و قوم
کاپیت زندگی میکردند. آنها در هنر مفرغ ریزی که از ۵۰۰

ق.م. (آهن هم بعدها در ریدی آن قرار گرفت) مهارت زیادی
داشتند. مفرغ ریزی در لرستان کهن در فاصله سالهای

۱۱۰ تا ۷۰۰ ق.م. رونق فراوان داشت و هنر آنها باعث خلو

اشیاء و آثار بدیع مفرغینی شد که شگفتی همه هنرشناسان
را برانگیخته است. مفرغ کاران لرستان به دستور کاهنان
متولیان دینی و با الهام از نسل های پیشین در تجسم اشکال
خدایان اساطیری، بت ها و مجسمه های مذهبی می ساختند.

و صور گوتاگون را بر روی ظروف فلزی نقش می زدند.

غالب آثار مفرغی بر پایه اعتقادات مذهبی و با الهام از سحر
از مورخین، کاسی ها پنجه هزار و انسان چهت پرستش

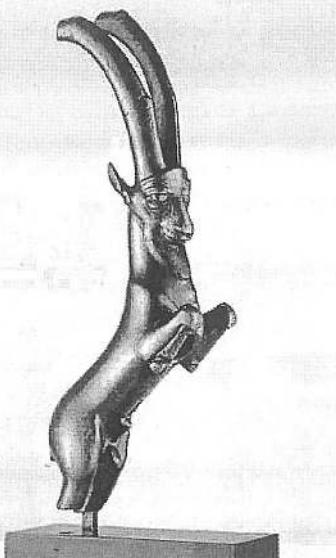
و مداوای روحی و جسمی بیماران ساخته می شدند. اعتقادات
مردمانی مقتدر بودند و کارشان بروشور اسب بوده و این امر

در شکل و اندازه آثارشان تأثیر داشته است. بنا به گفته یکی

از مورخین، کاسی ها پنجه هزار و انسان چهت پرستش
هخامشی برای عبور از لرستان (جاده بین شوش و اکباتان)

به آنها باج راه می پرداختند.

ادامه دارد...



منابع این بخش:

مصر مفرغ در ایران . حسن طلایی.

مفرغ لرستان . سید فرید قاسمی.

هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران . محمد تقی احسانی.

مفرغ های قبایل تاریخ گذاری لرستان و کرمانشاه . پتر کالمابر.

صنایع دستی کهن ایران . هانس ای.ولف.

مجله سخن . دوره ۱۲ . شماره ۱۰ و ۱۱

(بهمن و اسفند ۱۳۴۰). ص ۱۱۳۱ تا ۱۱۳۵.



فیوز گلاس چیست؟

کاشی ها درخشندگی و زیبایی منحصر به فردی در فضا ایجاد کنند.

۲- نقش بر جسته شیشه ای

هنر نقش بر جسته و مجسمه سازی از انواع مواد (سنگ گچ، چوب، فلز و ...) از گذشته تا کنون در نقاط مختلف این مرز و بوم چشم هر بیننده ای را میتوارد. خلق آثار نقش بر جسته شیشه ای با کاربرده زیباسازی فضاهای شهری تابلوهای نقش بر جسته در متروها و امکان عمومی شهری (جلوه ای دیگر از این هنر را نمایان میسازد و با نورپردازی های رنگین از پشت به زیبایی اثر می افزاید.

۳- روشنایی

روشنایی های دیواری، رومیزی و انواع لوسرها، ستونهای نوری و سقفهای کاذب به این روش با طرح و رنگهای همخوان با فضای داخلی تولید میشود.

۴- شیشه های درب و پنجره های ورودی و داخلی با استفاده از این متند شیشه های مات و رنگی با طراحی های همخوان با فضاهای تجاری و اداری و مسکونی انجام میشود.

ظروف دکوری و قاب های آینه و تابلوهای عنوان و ... دیگر کاربردهای وسیع این هنر است. ترکیب فیوز گلاس با موادی همچون چوب، سفال، فلزات، گچ بسیار زیبا و قابلیت بالای ترکیبی این هنر را از دیگر آثار تمایز میسازد.

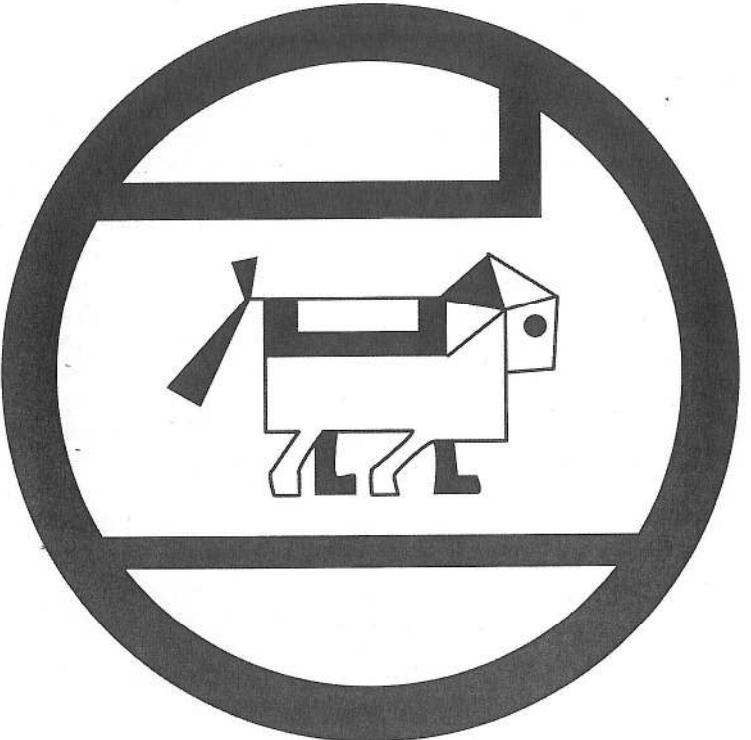
بهمین دلیل است که شاید خیالی کم هنرمندانی باشد که با کاربردهای ارزشمند این هنر - صنعت در دکوراسیون داخلی آشنایی داشته باشند.

کاربردها و مزایای فیوز گلاس

استفاده بسیار وسیع از مصنوعاتی که به این روش تولید میشود این هنر را به یک رشته کاربردی در کشورهای صاحب این تکنیک تبدیل کرده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره میکنیم:

۱- کاشی های شیشه ای

لاب شیشه بدليل ایجاد سطح بسیار صیقلی و نفوذ ناپذیر و نیز زیبایی و درخشندگی چشم نواز از دیرباز به عنوان پوشش ظروف سفالی و نیز در بوشش کاشی و سرامیک های امروزی مورد استفاده قرار گرفته و می گیرد. حال کاشیهای شیشه ای که همه متريال آنها از جنس شیشه هستند به مرتب زیبایی و درخشندگی و استحکام بیشتری نسبت به کاشیهای سرامیکی دارند همچنین قابلیتهاي نظیر نورپردازی از پشت و رو سبب میشود که این نوع



فرش

سید علی اکبر سبدی
غضوهای علمی دانشکده هنر و معماری

فرش ایران در نمایشگاه جهانی دموتکس، هنور آلمان

این نمایشگاه هرسال در محل نمایشگاه های شهر هانور برپا می گردد که در آن تمامی زیر اندازها از سراسر جهان از هر نوع و هر جنسی به نمایش گذاشته می شود. مهمترین و بزرگ ترین شرکت های تولیدی فرش از سراسر جهان در آن شرکت دارند تا تولیدات خود را عرضه نمایند. خریداران عده نیز در این نمایشگاه حضور فعال دارند. به خصوص دکوراتورها از سراسر جهان برای انتخابهای سالیانه خوش ب این نمایشگاه می آیند و بهترینها از حیث کیفیت، قیمت و طراحی انتخاب و خریداری می نمایند.

در واقع نمایشگاه دموتکس مکمل نمایشگاه های دیگری است که در خصوص دکوراسیون داخلی هر سال در کشور آلمان بر گذار می گردد.

(Hiemtextil- domotex- Imm) در یک بازه زمانی پیوسته و مرتبط با یکدیگر، در شروع سال نو، دکوراسیون داخلی را به طور کامل پوشش می دهند. تمام کسانی که در این سه حیطه فعال هستند می توانند بیشترین استفاده را در جهت فعالیت و حرفه خود با صرف کمترین زمان، ببرند.

در **(Hiemtexti)** ارائه مدلها مختلف در زمینه کاربری های پارچه چون: پرده، روخته، رو بالشی، رومبیزی، رولحافی و و نیز صنایع و استه به هر یک از اینها به نمایش در می آید. مهمترین بخش این نمایشگاه که در واقع کنندگان خودی شده ایم و بعضی در یک رقابت ناسالم، ترمه تجید نظر نکنیم. در این ندام کاری و سردر گمی هر یک صورت حدوداً ۵۰ تا ۶۰. البته از یاد نبریم که بسیاری از تجار خارجی هم که سالیان متمادی به عرضه فرش ایران اشتغال داشتند. فرشهای هندی، چینی، پاکستانی و... را ارایه می کنند. وقتی از یکی از معتبرترین آنها سوال شد که چرا فرش ایرانی نمی فروشی؟ گفت اگر کیفیت و قیمت فرشهای هندی را با فرشهای ایرانی مقایسه نمایید شما هم که من می کنم اینما می آورید.

به هر روی مسائل فرش ایران در نمایشگاه جهانی فرش هانور به صورت ذیل لخاصله می شود.

رقابی ایران با استفاده از نقاط قوت فرش ایران توانسته اند بازار را به دست گرفته و سهم خود را روز به روز افزایش دهند. مهمترین این نقاط قوت عبارتند از: کیفیت مواد اولیه، سلامت بافت، اصالت طرح و رنگ ایرانی و سابقه فرش ایران. اصلاح و روز آمد کردن فرشهای ایرانی مهم است اما مهمتر از آن اصالت فرش ایرانیست که توجهی به آن نداریم، مثلاً اصالت مناطق را در تولید فرش ایران از بین برده ام.

مدیریت تولید در ایران به شدت متزلزل و بی برنامه است که فرش ایران چه فکر می کند. و اگرگویم خیر او یک شیاد است و قالیهای وی مرغوب نیستند. مشتری اجنبی را جع به تجار ایرانی چگونه می اندیشد؟ این است که خار در چشم و استخوان در گلو می مانم و حرفی نمی زنم»، به راستی در این آشفته بازار چه باید کرد؟ از طرفی در حال حاضر فرش مشینی یکی از رقبای جدی فرش دستبافت است. به خصوص که بیشتر آنها طرح حای اصیل فرش ایران را کی و تولید می نمایند. ترکها و حتی شرکت های اروپایی بسیاری از طرح حای اصیل ایرانی سود برده و هر روز بیشتر از دیروز این فرشهایا به بازار عرضه می دارند. شرکتی های جون: هند، چین، نپال، پاکستان، ترکیه افغانستان و ... رقابت جدی داشته، وارد مatasaneh مطالعه که در همسایگی ما و با طرح های اصیل ایرانی بازار را مورد هجوم قرار داده اند. و جالب است که می دانیم برخی از طراحان ایرانی برای این شرکت های طراحی می نمایند.

آنچه در نمایشگاه های این سالهای دموتکس آلمان بیش از همه به چشم می آید و چیزی است که می باید هرچه سریع تر برای آن چاره ای اندیشید.

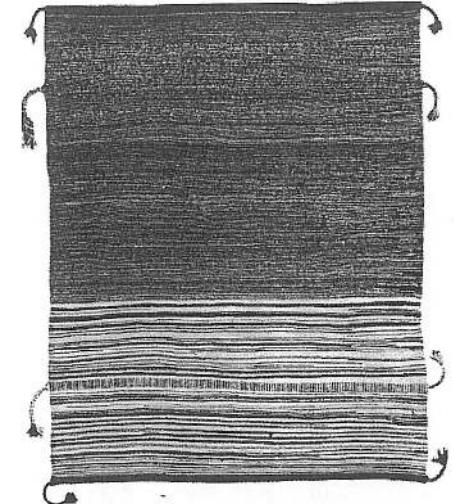
تعداد شرکت های ایرانی شرکت کننده از ایران نسبت به سالهای گذشته کم شده است. (حدود ۳۰ شرکت) تعدادی از شرکت های ایرانی فرشهای فرشهای سایر کشورها را عرضه می دارند. برخی از آنها به صورت ۱۰۰ و برخی به صورت حدوداً ۵۰ تا ۶۰. البته از یاد نبریم که بسیاری از تجار خارجی هم که سالیان متمادی به عرضه فرش ایران اشتغال داشتند. فرشهای هندی، چینی، پاکستانی و... را ارایه می کنند. وقتی از یکی از معتبرترین آنها سوال شد که چرا فرش ایرانی نمی فروشی؟ گفت اگر کیفیت و قیمت فرشهای هندی را با فرشهای ایرانی مقایسه نمایید شما هم که گفته پدر کهنه کارش در حال حاضر همه کاره شرکت پد در آلمان است. می گوید: «وقتی یک تازه به دوران رسید در تزیینات داخلی، از این غرفه شکل گرفته و مسیر تولیدات یک سال آینده را تبیین می نمایند. از این رو برای کشور هایی که صاحب محصولاتی در دکوراسیون داخلی هستند می توانند بسیار اهمیت داشته باشد.

در نمایشگاه **(Imm Cologne)** کلن نیز دکوراسیون داخلی به صورت تام و تمام به نمایش در می آید. مبلمان، وسایل تزیینی، سیستمهای روشنایی و نور پردازی، میز و صندلی، تابلوهای تزیینی و احجام مختلف جهت چیدمان در فضاهای گوناگون و هرآنچیزی که در دکوراسیون داخلی

باید چاره ای عاجل برای آن اندیشید. واسطه گری، نبود نظارت کامل، عدم اعتقاد به تولید مرغوب، عدم استفاده از طراحان زده و در نهایت عدم استراتژی معقول در تولید باعث می شود تا فرش ایرانی بسیار گران تولید شود و لذا توان رقابت را در بازار جهانی از دست به دهد. یکی از ویژگیهای تولید رقبای ما ارزان بودن کالایی آنهاست. یقینا تمام اختلاف قیمت ما با آنها به پرداخت دست مzed ختم نمی گردد مدیریت در چرخه تولید از تهیه مواد اولیه تا فراوری محصولات جانبی چون: (نخ، پشم، رنگ) و مهمتر از همه مراحل بافت و تکمیل، بسیار زیاد در قیمت فرش تولیدی ما دخالت دارد. واسطه ها نیز در این میان قوز بالای قوز هستند. حاصل این گونه تولید محصول گرانیست که پارای رقابت با سایرین را ندارد.

طراحی یکی دیگر از نقاط قوت فرش ما بود که اینک توجهی بدان نداریم. ضعف طراحی ما همه اش به عدم روز آمد بودن آن بر نرمی گردد. بلکه ضعف طراحی ما در آشته بازاری است که خود سبب ایجاد آن بوده ایم. حقیقت این است که بسیاری از طرح های اصیل ایرانی که توسط رقبا تولید می شوند به خوبی به فروش می رسند. در نمایشگاه سال ۲۰۱۰ فرش قم تولید چین به راحتی به فروش می رسید. این در حالی بود که چینها در طراحی آنها هیچ





رنگهای آرام و غیر اشیاعی را که به تعداد اندک در یک قالی پکارگرفته می‌شوند را مورد تجزیه و تحلیل طراحانه قرار داد و مطابق آنها فرش تولید کرد. اما حتی اگر این طرح‌ها هم باقیه شوند (که نمی‌شوند) اما قالی باقیه شده هزار عیب و علت داشته باشد و گران‌هم عرضه شود باز هم خریدار چندانی ندارد.

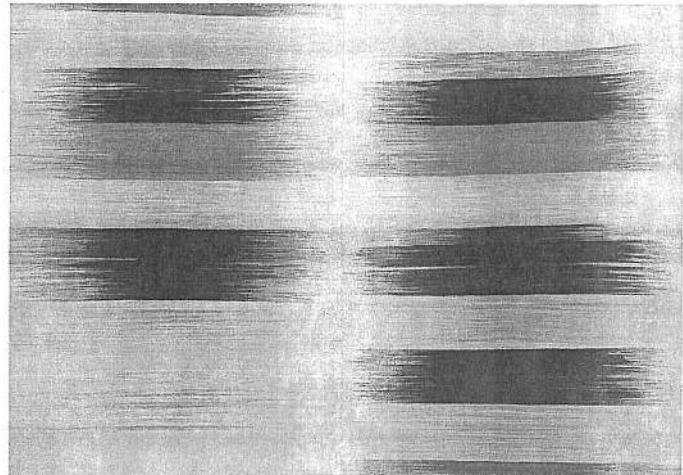
به هر روزی اگر تولید کنندگان ایرانی بتوانند برای سلیقه‌های مختلف فرش تولید نمایند و خواستهای آنها را در هر زمینه‌ای برطرف نمایند. اقبال عمومی به سمت قالی ما جلب خواهد گردید اما اگر همچنان در چگونگی تولید فرش دچار سردر گمی باشیم و برنامه‌ای مدون و علمی برای تولید فرش نداشته باشیم و همه گناهان را به عدم طراحی مناسب با نیاز روز و دست مزد کم که قابلیات رقیب، نسبت بهیم به جایی نخواهیم رسید و به یقین فردایمان بهتر از امروز نخواهد بود.

تجار ما به جای اینکه در تقویت یکدیگر بکوشند ترمز حرکت یکدیگرند. جلسه منزل سرکسول که با حضور تنی چند از تولید کنندگان همزمان با نمایشگاه ۲۰۱۰ تشكیل گردید نشان داد که حتی آنها که در غربت به سر می‌برند و سفیران فرش ایران به شمار می‌روند باهم اختلافات جدی دارند. چه رسد به تجار ایرانی که از بدو تولید با رقبای

باز دارند و دائمی با یکدیگر درگیر هستند. همراهی تجار دیگر کشورها به خصوص از حیث هماهنگی که بایکدیگر دارند و محصولاتی را با برنامه ای مشخص ارایه می‌نمایند. انسان را به تعجب وامیدار، کشورهایی چون پاکستان، هند، ترکیه، مصر و حتی افغانستان، دارای غرفه‌های مجتمع بودند و طراحی غرفه‌های آنها نشان از نوع وحدت رویه داشت. اما برآکنندگی و تفرق تجار ایرانی و به خصوص رفتار پنهان و آشکار آنان با یکدیگر به خوبی نشان می‌دهد که هر کس به فکر خویش است و کسی به فکر

اما ما با اختلاط طرح‌های مناطق ندانسته طرح‌های اصیل خود را از بین برده ایم و در نهایت هم نتوانسته ایم خود را با خواست عموم مصرف کننده گان هماهنگ نماییم. ازرنگ و طرح‌های روز سخن میرانیم اما در تولید آنها هیچ استراتژی خاصی نداریم. دانشگاه‌های ما از این تحولات کاملاً خبرند و آموزش‌های آنها آب در هاون کوبیدن است. به نظر می‌رسد اعزام مدرسین به این گونه نمایشگاه‌ها بیشترین تاثیر را داشته باشد اما این اتفاق کمتر می‌افتد. در نو اوری ما حرف اول را می‌زنیم اما این نو آوری به تولید منجر نمی‌شود. در نمایشگاه سال ۲۰۰۹ در میان جوازی اعطایی به فرشهای برتر از میان ده فرش برتر جهان، شش تای آنها متعلق به ایران بود. ذولاواری سه عدد، حیدریان دو عدد و رضی میری یک

دخل و تصرفی صورت نداده بودند و بیشتر طرح‌های اصیل قم را بافته و ارایه نموده بودند. تولیدات چینی از حیث قیمت تفاوت فاحشی با قالی‌های قم داشتند. این در حالی بود که از نظر تکنیک بافت و مرغوبیت مواد تفاوت چندانی بین آنها نمی‌توان قابل شد. هندیها سیاری از قالیهای مناطق مارا تولید می‌کنند در طراحی اصیل این قالیها هم دخلاتی نداشته اند اما آنها می‌فروشنند و خوب هم می‌فروشنند برای اینکه قیمت آنها بسیار کمتر از قالیهای ما است. حتی قالیهای ترکمن مارا قراچها و ترکمنها و نیز افغانها با نام بخارایی تولید می‌نمایند با همان رنگهای تبره قرمز سیاه و احیاناً قهوه‌ای، وقتی از تولید کننده‌ی افغانی پرسیدم فروش این قالیها چطور بود گفت بدینیست چون عده‌ای



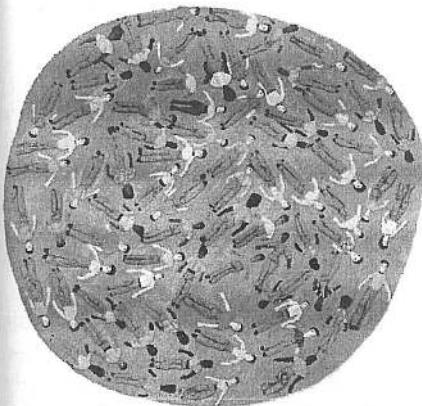
عدد را به خود اختصاص داده بودند. استه در بسیاری از آنها یعنی هم که برنده نشده بودند. قالیهای ایرانی فینالیست بودند که این نشان از قدرت برتر طراحی در ایران دارد اما همین قالیهای برنده دست مایه تولید رقبا شده و تعداد زیادی از آنها برای سال ۲۰۱۰ عرضه شده بودند آنهم نه برای بردن جایزه که برای فروش بیشتر. مثلاً قالی موج ذولاواری که سال گذشته جایزه بود در سال جاری توسط پاکستانیها به فرم‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته بود.

البته نباید فراموش کرد که باید نیض بازار را گرفت!

برای خرید آنها همیشه وجود دارند. سال گذشته تعدادی داشتمیم روز اول فروش رفت و روز دوم سوم باز هم مراجعه کننده داشتمیم. امسال هم تا حالا بد نبوده است. ابریشم‌های بزرگ پارچه هندی را مثل قند می‌خریدند در حالی که آنها به شدت کوشیده بودند تا محصولات خود را به طرح‌های اصیل قم نزدیک نمایند. واقعیت این است که برای فرشهای مختلف و اصیل ایرانی همواره مشتریهای خاص وجود دارد. اما آنها به رقبای ما مراجعه می‌نمایند به خاطر اینکه آنها ارزانتر می‌فروشنند.



گرافیک



فرش ایران و جایگاه والای آن در جهان نیست.
ایمید است که این وضعیت شکننده و دور از شان والای
قالی ایران هر چه سریع تر با درایت همه دست اندر کاران
فرش ایران رو به بهبود باشد و فرش ایران چونان گذشته
جای گاه والای خود را در بازار جهانی باز بابد.

دکتر فریبا غروی

عضو هیئت علمی دانشکده هنر معماری
دانشگاه شیراز

رشته گرافیک

را

چگونه به کار بویم؟

رشته گرافیک ، همانگونه که بیشتر دانشجویان رشته گرافیک و دیگر دانشجویان هنری آن را به عنوان یک رشته هنری کاربردی و در ارتباط مستقیم با جامعه می شناسند، رشته ای زایده دوران مدرن می باشد یعنی دورانی که تولیدات یکسان صنعتی بازارهای جهانی را فرا می گیرند.

دورانی که تفاوتی ماهوی با دوره های پیش از خود دارد، چه به لحاظ جهان بینی و تفکر و چه به لحاظ راه و روش زندگی، دورانی که صنعت فرآیندگر میشود و مفهوم صنعتگری و مهارت های فنی که برای یادگیری آن بصورت دستی می باشد سالیان درازی صرف میشود، به کلی رنگ می بازد. دیگر هنرمند خلاق از ایجاد یک اثر هنری منحصر به فرد در خدمت سفارش دهنده خاص - که عموماً بازار هنر را در سیطره سلیقه و امکان مالی نامحدود خودش دارد - مثل آنچه در نقاشی های چهره پادشاهان شاهدش هستیم، رها می شود.

بطور کلی پس از دوران صنعتی، بشر وارد دنیای جدیدی از ادراکات و دریافت های بصری، شنوایی و بقیه ادراکات حسی میشود و حتی دوره جدیدی از تأثیرات روحی و روانی را تجربه میکند که قبل از آن کاملاً بی سابقه بوده است. سلیقه او هم در اثر این تغییر ادراکات و تجربه ها تغییر می کند. انسان های درگیر در زندگی ماسنی و صنعتی غیر از موضع خاصی در اوقات فراغت، دیگر نمی توانند برای لذت بردن از یک پرده نقاشی بر جزئیات و داستانسرای تصویری آن حتی در گذر از موزه های پر رفت و آمد، وقت بگذرانند.

اکنون زمان پیام رسانی از نوع دیگری است. باید برای زندگی صنعتی که هدف و غایت آن بهره مندی برای و یکپارچه جهان بود که یک زائر می توانست پس از طی مسیرهای بسیار طولانی به مقصد خود برسد و این اثر را بصورت عزیزان من، سخنی که در اندیشه می پروریم به آسانی در تابلوی شام آخر اثر لونوارد داوینچی، تنها یک مکان در جهان بود که در روزگار شد و همچنانکه مطرح شد هنر از خدمت خواص خارج شده و به خدمت عامه در می آید و این تکرار و در دسترس بودن آثار هنری باعث می شود که بقول والتر بینامین در مقاله «اثر هنری در دوران باز تولید پذیری مکانیکی»: افزون شدن جنبه نمایشی آثار هنری و کاسته شدن از جنبه های آئینی آنها از تبعات زندگی در جامعه صنعتی بشود.

وی اینطور مثال می زند که: در روزگار قدیم برای دیدن تابلوی شام آخر اثر لونوارد داوینچی، تنها یک مکان در مقدس و آئینی نظاره کند یا استون بلندی که هم اکنون در وسط میدان صلح باریس قرار دارد و از مصر به غنیمت و یادگار آورده شده، زمانی مورد زیارت و تکریم افراد فراوانی در مصر باستان قرار می گرفت، اما امروزه عابرینی که برای رفتن به محل کار از این میدان رد می شوند و سرنشیان اتومبیل هایی که با شتاب عبور می کنند، شاید حتی نیم توین بوده و هستند.

در الواقع تکنولوژی باعث شد که توده بسیار زیادی از

جامعه تحت عنوان «قشر متوسط» که تبلور زندگی صنعتی

هستند، گسترش فزاینده ای پیدا کنند و تعداد زیادی از

افراد جامعه در این لایه اجتماعی قرار بگیرند. این طبقه



عکاس: دکتر زارع خلیلی
گرافیست: دکتر فریبا غروی

در تشویش او برای آثار باستانی کشورمان سهیم باشم.
ایشان خطاب به دانشجویان هنر گفته بود: تخت جمشید را ساختیمتر به ساختیم عکاسی کنید. با اینکه این پیام، تها جمله ای نوشتاری بود، من تا جایی که توانستم، آن را بکار بردم و امروزه که بدیده انقلاب دیجیتال، دنیا را فرا گرفته است می گویم، بیانید فر و شکوه میراث تاریخی کشورمان را به همگان معرفی کنیم و فرهنگ احترام به آن را اشاعه دهیم.

نگاهی هم به آن نیندازند و اصلاً متوجه وجودش نشووند چراکه نگاه جامعه صنعتی هم مثل خود پروسه صنعت، سریع، با شتاب و عاری از مفاهیم آئینی است.

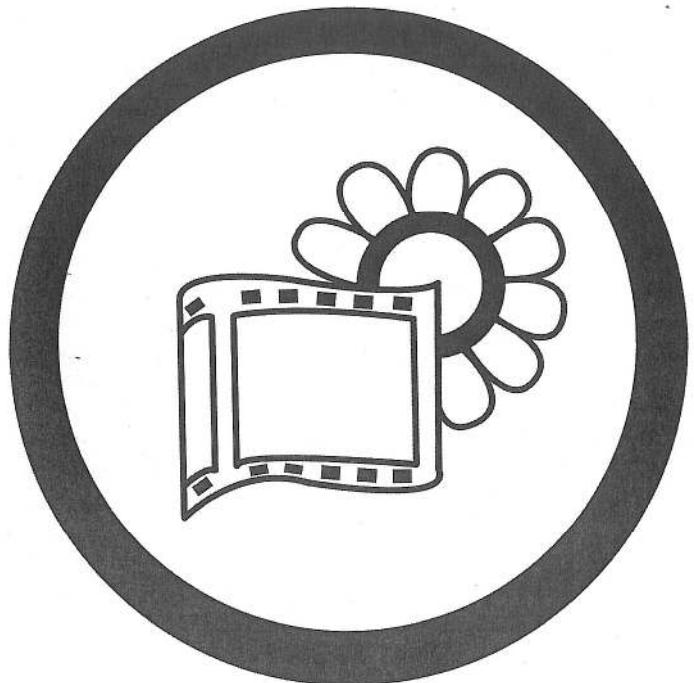
حال سوال این است که دانشگاه در این راستا چه نقشی دارد و روند آموزشی رشته های هنری کاربردی خصوصاً گرافیک چگونه باید باشد؟

درواقع در روزگار اینچین که جوامع مختلف در درجات متفاوتی از صنعتی شدن را طی می کنند، باید با تبیین مفاهیم نظری و پنیادین که چگونگی شکل گرفتن یک اثر هنری از دل صنعت را تشریح می کنند، به رفع نیازهای هنری جامعه بومی پرداخت.

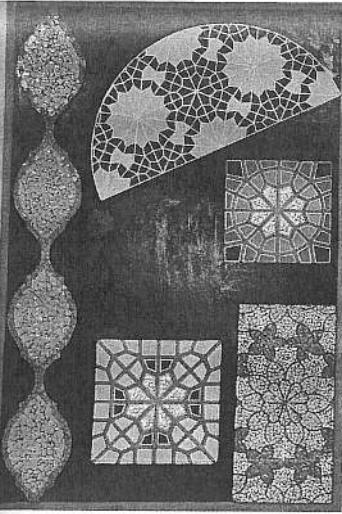
شكل صحیح آموزش گرافیک این نیست که فقط مهارتهای فنی و قابلیتهای خلاقه آنها با فرم ها و رنگ ها و قارگیری صحیح آنها در کار، آموزش داده شود، بلکه باید در سیستم دانشگاهی به سمتی پیش برویم که عده ای متفسک، تئوریسین و تحلیلگر آشنا به مسائل جامعه شناسی و روانشناسی که ارتباط صنعت و هنر را در کم می کنند و عاقبت مثبت و منفی آن را مورد ارزیابی قرار می دهند و متوجه هستند که ایدئولوژی ناشی از استفاده تکنولوژی چگونه فرآیندگر می شود و چه تغییر تگریشی را باعث می شود، رشد پیدا کنند و با این توانایی ها و شناخت عبارهای سنجش اجتماعی و فرهنگی به انتخاب پیام و تکثیر آن بپردازند و باعث فرهنگ سازی و آموزش هنرجارهای بهینه اخلاقی شوند.

در غیر اینصورت مانند هنرمندان دوران پیش مدرن که برای تولید آثار هنری خود، مقوه سلیقه حاکمان و صاحبان ثروت بودند، بنناجرا تنها به پیام رسانی متبحر و حرفة ای برای انتقال پیام های خوب و بد سفارش هنرمندان بدل می شوند که خود به انگیزه آغازین و عاقبت منتج از پیام خود آگاه نیستند.

عزیزان من، سخنی که در اندیشه می پروریم به آسانی در جهان امروز به پرواز در می آید و بگوش همگان می رسد، پس سخن خود را آراسته و موزون کنیم. شهید مطهری اعتقاد داشت که علمی که به ما اندیشیدن را آموزد بیشتر شایسته قدردانی است تا آن کسی که تنها اندیشه ای را به ما منتقل میکند. و من به پیروی از این استاد گرانقدر از استاد ممیز استاد گرانایه دیگرم - با آنکه هرگز در کلاس های درس ایشان نبوده ام - به مدد مقاله ای که با اینزارهای تولید انبیوه جامعه صنعتی بدمستم رسیده بود، یاد گرفتم که

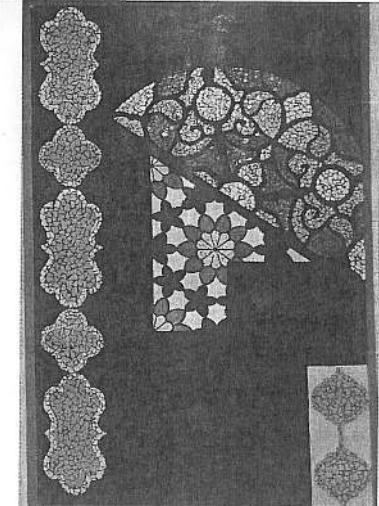


نتیجه‌ها



دکتر فربیبا غروی
عضو هیئت علمی دانشکده هنر معماری
دانشگاه شیراز

دیوارهای خالی دانشکده هنر معماری دانشجویان هنرمند این دانشکده را به اجرای آثار هنری زیبا فرامیخواند، خانم الله جعفری تازه جانی از دانشجویان رشته صنایع دستی دانشکده در زمستان سال ۱۳۸۹ به این فراخوان از روزی که فارغ‌التحصیل شد، جواب مثبت داد، بنا اینکه سوالات جانبی برای اجرای کردن طرح‌های این چیزی صر و تحمل زیادی می‌طلبید، ایشان باصدق نیت و مهربانی که از شهر ثامن‌الائمه با خود به یادگار آورده بود، همه را به جان خرید و با همکاری دوستان همدوره خود خانم‌ها الله عزیزی و شیوا کریم زاده یک اثر بسیار ارزنده را برای تزیین سلف دانشکده به اتمام رسانید که یادگار سال‌های حضور وی در دانشکده خواهد بود.



ترجمه و نگارش: مرضیه علیرضایی
کارشناس ارشد سینما

تلقیق ژانرهای*

کارشناس امور فرهنگی دانشکده هنر معماری
دانشگاه شیراز

هالیوود جدید تلقیق کم نظر ژانرهای ژانر را گوناگون را به نمایش می‌گذارد و از این رهگذر ما شکل‌های تازه و تأثیرات خاصی را شاهدیم.

یک رمان دیبرستاني، یک فیلم علمی و تخیلی با استراتژی استوپیوها در جلب توجه تماشاگران، دستخوش تغییرات واضحی در دوران هالیوود جدید شده است. ژانرهای غالب فیلم های جنجال برانگیز معاصر تاحد زیادی به سمت مدرن مباحث و سترن معاصر، بعنوان موضوعی برای مباحث انتقادی همچنان باقی مانده است. اگر بخواهیم به آسانی از این مسئله پذیریم، می‌توانیم چنین صور کنیم که اغلب ژانرهای قوی و غیرقابل لطف از هم پاشیده اند و دوباره به شکل انواع جدید و جالب در عرصه هالیوود جدید ظهرور یافته اند.

اما اگر بخواهیم از ساده نگری بیش از حد اجتناب کنیم،

باید این را در انفرادی‌گیریم که سیاری از فیلم ها هنوز هم در یک چارچوب ژانری قرار می‌گیرند و یک دید تاریخی گستردگی تر می‌گوید که اگر ژانرهای در برخی موارد با یکدیگر ترکیب شده اند و یا دوباره به هم آمیخته باشند به زمانی دورتر از اکنون بازمی‌گردند.

پیچیده از ژانرهای متعدد بنظر آید (بدین معنی که معجونی

از ژانرهای چندگانه، ممکن است بعدتر به شکل ژانری جدید

مهمی در هالیوود جدید ایفا می‌کند. تحول هالیوود، با

تمام نشانه های نقدهای آزاداندیشه و تجزیه های فرمی و

فیلمهای جنجالی با ترکیب های اغراق آمیز، ژانرهای متعدد

را خلق کرده است.

فیلمهای معمولی اگر بتوانیم به این نام بخوانیم، هنوز نقش

مهمنی در هالیوود جدید ایفا می‌کند. تحول هالیوود، با

بندي آثار دادن جنسیت و خشونت در این میان قابل اشاره

به نشان می‌دهد که زنان خشونت زیاد

را در دوست ندارند).

فیلم هایی که عوامل ژانر را به هم آمیخته اند مثل هم

نیستند. پیشگامان سفینه فضایی معرف عوامل زن محور

است در حالی که غالباً از قراردادهای علمی-تخیلی، ترسناک

و رزمی کار می‌کند. فیلم تایتانیک در این میان استثنایی

بر جسته است و بیش از اینکه بخواهد خود را پشت منظر

اما تنها عامل نیست. گریم فیلم سپاهیان کشتی فضایی

زیبای حاصل از جلوه های ویژه پنهان کند، میراث سنتی از

گواهی بر این مدعاست. اجزای ژانرهای مردپسند با اجزایی

که بیشتر زن پسندانه است ترکیب شده اند.

تغییر دادن، مخلوط کردن و یا محو کردن قراردادهای ژانر

ژانر ترکیبی که در فیلم «از سحر تا گرگ و میش» (From Dusk till Dawn)

می‌تواند به لحاظ فرهنگی-اجتماعی هم قابل بررسی باشد و

۱ این مطلب ترجمه ای آزاد است از فصل چهارم کتاب هالیوود جدید با عنوان تلقیق ژانرهای:

۲۰۰۲، King, Geoff-New Hollywood Cinema, An Introduction, Colombia University press, August

۲ از سحر تا گرگ و میش / کارگردان: روبرت رودریگوئز / نویسنده: کوئنین تارانتینو و روبرت کورتمن / محصول سال ۱۹۹۶ آمریکا

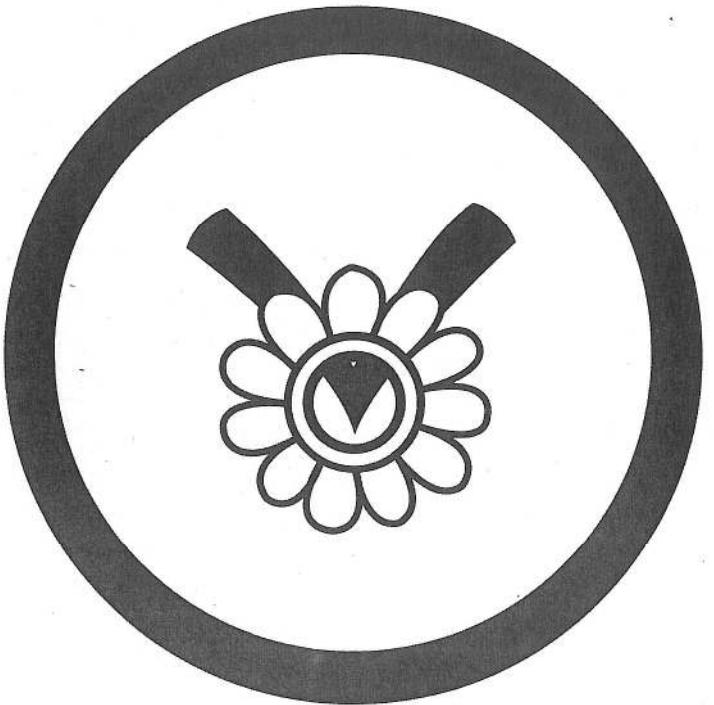
متخاصم و مختلف با همدیگر برخورد می‌کنند و اصول متفاوتی که هردوی آنها بر آنها پا می‌فشارند، کم کم و بطور معجزه آسایی به یک عنصر واحد بدل می‌شود. تعداد کمدهای رمانیک این چنینی در هالیوود رو به فرونی می‌رود، اینگونه فیلم ها حس لذتی به بیننده منتقل می‌کنند که ریشه در منابع مستدل دارد و فضای مناسبی برای مطالعه شرایط اجتماعی و ایدئولوژیکی، برای اهل فن باقی می‌گذارد.

در فیلم «تامه داری» تفاوت بین احتياجات کوچک و بزرگ تجاری که در شرایط نو ازین می‌رود همچنان نشان دادن نزدیکی معجزه آسا میان واقعیت و موضوعات اقتصادی- سیاسی نشان داده می‌شود. این شکل عموماً تغییر نمی‌کند، این روند به اشاراتی که در آن وجود دارد شکل واقع گرایانه تری می‌دهد، درحالی که فانتزی درون آن را نیز حفظ می‌کند.

این دوگانگی ژانری گاهی اوقات بعنوان مشخصه متفاوت هالیوود جدید در نظر گرفته می‌شود اما بسیاری از فیلمها نیز بعد از خود بعنوان ژانرهای مستقل و محکم شناخته شدند و روندی را طی کرده که ممکن است در مقدمه ترکیبی پیچیده از ژانرهای متعدد بنظر آید (بدین معنی که معجونی از ژانرهای چندگانه، ممکن است بعدتر به شکل ژانری جدید تبلور یابد). این ژانرهای چندگانه در دهه ۱۹۴۰ به همان اندازه ۳۰ معمول بودند. استینوین تحقیق مفصلی در مورد این مسئله با تاکید بر تاریخ سینما بین سالهای ۱۹۴۴ تا ۱۹۸۴ انجام داده که در مجله و رایتی به چاپ رسیده است.

امروزه ترکیبات و محو شدن های نشانه های ژانری می‌تواند با راجع به خصوصیات دوران هالیوود جدید توضیح داده شود. فهم این مسئله و درک اینکه چه چیزی در دوران کاری هالیوود جدید بر جسته است، مسئله ای مهم است. نکته در دوری گزینی از ساده کردن های بی اندازه است. فیلم «از سحر تا گرگ و میش» نموده ای از تلقیق ژانرهای را به نمایش می‌گذارد. از ترکیب های کمدهی سیاه و از آن به فیلمی خون آشامی سرشار از قتل و خون ریزی دو برادر لات و اوباش پس از هزار گان بردن تحولیدار یانک که شناسی هم برای زنده ماندن ندارد، در یک سفر جاده ای پیش می‌رond و آدم می‌کشدند. آنها مашین یک و اعظ سرخورده را می‌دزند و او را به همراه دو فرزند نوجوانش فیلمی مثل «تامه داری!» (You've got mail) * همان قوانین فیلمی را که خود بازسازی مجدد آن است یعنی «مغازه سر پیچ» (эрнст لوییج - ۱۹۴۰) و دیگر کمدهای عصر کلاسیک را پکار می‌برد. دو شخصیت از دو جبهه

* نامه داری / نویسنده و کارگردان: نورا افرون / محصول سال ۱۹۹۸ آمریکا.



هفت

به گروگان می‌گیرند. در راه حرکت بسوی مکزیک فشارهای قانون و مذهب در هم آمیخته و آنها را دنبال می‌کند. جوهر اصلی تربیلهای دهه نود که خصوصیات اصلی اش در همان دقایق اول رخنایی می‌کند از همینجا نمایان است. اثری ترسناک که در آن زندانیان بدیخت و دست از جان شسته، شهروندان عادی را هدف گلوله قرارمی‌دهند. همچنان که ما منتظر پیشروی دو کاراکتر اصلی هستیم، مرز با آرامش و امنیت پشت سر گذاشته می‌شود، آنها به یک بار غارمانند که محل تجمع رانندگان کامیون‌ها و دوچرخه‌سواران است می‌رسند تا منتظر قرار صبح روز بعد بمانند. در این میان دختران رقصنده بساط سرگرمی حاضران را فراهم آورده‌اند. ستیزه‌ای میان دو برادر و دیگر اوپاش درمی‌گیرد. برادر جوانتر زخمی می‌شود، دختر رقصنده از مشاهده خون دگرگون شده و ناگهان در کمال نایاوری- منتظر نایاوری مخاطب- تبدیل به یک خون آشام می‌شود و این تا حدود زیادی غافلگیر کننده است. پیکرهای نیمه جان خرخر کنان بلند می‌شوند و بیننده خود را وسط یک فیلم خون آشامی می‌بینند.

آجeh در میانه این فیلم اتفاق می‌افتد بعنوان یک تغییر ژانر قابل اشاره است. از یک کمدی پر هیجان سادبسمی با مایه‌هایی از فیلم تعقیب و گزیزی به یک فیلم ترسناک خون آشامی! شخصیتهای فیلم بنظر می‌رسد که قواعدبازی را می‌دانند و بدون کمتر تعجبی خود را برای مبارزه با خون آشامان آماده می‌کنند، اما این وقایع چه چیزی را می‌خواهند به ما بنمایانند؟ شاید بیش از هرچیز سست شدن مرزهای ژانر در هالیوود جدید، بعنوان یکی از خصایص این سینما.

عارفه حکم آبادی.

دانشجویی کارشناسی صنایع دستی

وقتی حیات در موسیقی خلاصه شد

اگر موسیقی در خیش خیش علف ها، در جریان موسیقی توصیفی را در روسیه در صدای قدم ها، در تیک تیک ساعت اتفاق پذیرایی، در غوغای و هلهله کودکان که از پنجه به گوش می رسد و در اشعار پوشکین و شکسپیر منعکس گردد... اگر مادر، بعنوان عزیزترین کس، از همان اولین روزهای زندگی،

داشت. اغلب اوقات در موسیقی وی، آهنگ های حزن انگیز و بازگو کننده غم تنهایی، به یک اوایز دسته معمی مردم تبدیل می شود و آن گاه کم کم تغییر شکل می پذیرد و بیان کننده شادی عمومی می شوند. چایکوفسکی در همه فرم های موسیقی آثاری از خود بر جای نهاده است و با سه باله ی «دریاچه قوه»، «زیبایی خفته» و «فندق شکن» اساس باله روسی را بیان نهاد. آخرین و یکی از محبوب ترین آثار چایکوفسکی به نام «سمفونی پاتیکی» یکی از آثار بر جسته موسیقی سمفونیک قرن نوزدهم است. وی با این سمفونی داستان تراژدی زندگی انسانی را بیان کرده است، که عمیقاً احساس می کند و به روشنی می اندیشد. با مصائب می سرزید، به آینده ای روش امید دارد و خوشی و سعادت را نه تنها برای خود، بلکه برای همه هم وطنان خویش می طلب.

نه روز پس از اجرای این سمفونی، به همراه چند تن از رفاقتیان در سر میز نهار، با آگاهی به شیوه بیماری و با اولدگی آب، یک لیوان آب نجوشیده نوشید که همین امر باعث ابتلای وی به بیماری وبا شد. هنگامی که حالش به رقص پیازد. در سال ۱۸۵۹ از مدرسه حقوق قضایی فارغ التحصیل شد و از «آتنوان روبنستانی» درس هایی در زمینه ارکستراسیون گرفت. پس از مدتی با «بالاکیرف» و «گروه آهنگساز ملی گرایانه» در شهر «وتکینسک» روسیه دیده به مجهان گشود. در پنج سالگی به فراغیری پیانو مشغول شد و قبل از هشت سالگی قادر به خواندن نت بود و در چهارده سالگی می توانست یک قطعه موسیقی زیبا برای و خامن گرایید در بستر بیماری اش چنین گفت:

«من متقدم که این مرگ است.» وی در صبح روز ۲۵ اکتبر سال ۱۸۹۳ در سن پنجاه و سه سالگی در سن پترزبورگ دیده از جهان فرویست. چندی بعد مسافونی پاتیک با تفسیری که از خود چایکوفسکی بجای مانده بود، به یادبود او اجرا شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت.

منابع:

آینه تاریخ. محمود طلوعی.
وین اجرا شد و هفت سال بعد او بر قدرت ترین و یکپارچه ترین سمفونی خود، سمفونی پنجم در «می» (Mi) مینور خلاقت موسیقی. کیوان جعفری نژاد، رضا کبیری زاد.
موسیقی کلاسیک و رمانیک. هوشنگ کامکار.
چایکوفسکی دریافت نمود.
چایکوفسکی اصول و قواعد موسیقی کلاسیک غرب و

سازه بهمنی

دانشجویی کارشناسی صنایع دستی

نگاهی به تاریخچه پیدایش تقویم

خورشید و ماه بر اساس تقویم ۱۰ ماهه را داشت دو ماه جدی (January) و فوریه (February) را معرفی نمود. چون سال از ماه مارس شروع می شد، لذا ماههای زانویه و فوریه ماههای ۱۱ و ۱۲ معرفی گردیدند و به همین دلیل است که می بینیم دسامبر به معنی ۱۰، نوامبر به معنی ۹، اکتبر به معنی ۸ و سپتامبر به معنی ۷ می باشد. روایت انسان شناسها، مدت زمان با روز حساب می شد که از غروب آفتاب تا غروب آفتاب روز بعد و یا از طلوع آفتاب تا طلوع آفتاب روز بعد حساب می شد. در آن زمان به دلیل اینکه پسر تغییرات فیزیکی قابل مشاهده در ماه را می دید، احساس می کرد که چیز خوبی برای محسنه و نگه داشتن گذشت زمان پیدا نموده است. سپس به تدریج دوره های فصلی ایجاد گردید. (باران، گرما، خشکی، سرما) و بکار بردن اعداد، ضروری گردید. بشر کشف کرد که بعضی اعداماند ۱۲ به سادگی قابل تقسیم به قسمتهای کوچک تر می باشد و بعضی ها مثل ۱۳ به هیچ وجه قابل تقسیم نمی باشند. لذا عدد ۱۲ یک عدد مناسب برای تقسیم زمان به واحدهای کوچک تر گردید که با این محاسبه، ۱۲ ماه را یک سال نامیدند. با گذشت زمان و پیشرفت علم و اختراع و سایر جدید، تقویم نیز پیشرفت کرده و دقیق تر گردید. طلوع و غروب خورشید، حرکات ماه و ستارگان زمین بیشتر نیمایان مطالعه قرار می گرفت و اهمیت فصلها بیشتر نیمایان داد. تقویم جدید رومی دارای یک سیستم منظم علمی مبتنی بر حرکات خورشید بود. طول سال در این تقویم ۳۶۵ و ۱/۴ روز تعیین گردید که بر ۱۲ ماه تقسیم می شد. ماههای فرد دارای ۳۱ روز و ماههای زوج دارای ۳۰ روز و ماه فوریه در موقع کبیسه ۲۹ روز بود.

از آنجا که در تقویم های قبلی سال از ۲۵ مارس شروع می شده و ماه فوریه آخرین ماه بود، در تقویم جدید ماه فوریه بعنوان ماه تعییر، تعیین گردید. ضمناً فوریه به معنی خالص کردن نیز می باشد. همچنین مقرر گردید که هر چهار سال یک روز به تقویم ایجاد گردید که شروع سال از اول پاییز بود و همین تقویم بود که به شرق و غرب برد شد و به نامهای مختلف مشهور گردید.

مجلس سنای روم بخطار کارهای جولیوس سزار در امر بنیانگذاری تقویم جدید رومی، ماه هفتم سال را با اقتباس از جولیوس، جولای نامگذاری نمودند. سپس ماه ششم هم به اقتباس از نام آگوستس (Augustus) که برادرزاده ژولیوس بود، بنام آگوست نامگذاری گردند. بعد از ملکه آگوستس (Numa Pompilius) که وظیفه هماهنگ کردن حرکات

دادن گذشت آن، روى درختها و دیوارها خط می کشیدند، سرگ ریزه در جایی علامتهایی خاص را قرار می دادند یا می ساختند و وقایع مهی طبیعی، خانوادگی و قبیله ای را به این طریق ثبت می کردند. در آغاز بنا به روایت انسان شناسها، مدت زمان با روز حساب می شد که از خود آفتاب تا غروب آفتاب روز بعد و یا از طلوع آفتاب تا طلوع آفتاب روز بعد حساب می شد. در آن زمان به دلیل اینکه پسر تغییرات فیزیکی قابل مشاهده در ماه را می دید،

پالپیلوس (Pompilius) روز ۲۵ مارس را که آغاز فصل بهار بود، بعنوان شروع سال تقویم رومی معرفی کرد. این روش تا سال ۱۵۳ قبل از میلاد رواج داشت و هنوز هم در بیشتر ممالک از جمله ایران، مورد استفاده است. ۱۸۰ سال قبل، انگلستان و آمریکا شروع سال را ۲۵ مارس به اول زانویه تعییر دادند. تقویم فعلی را ژولیوس سزار (Julius Caesar) (بس از فتح مصر و آوردن ستاره شناس مشهور) (Sosigenes) پیش از میلاد تغییر داد. تقویم جدید رومی دارای یک سیستم منظم علمی مبتنی بر حرکات خورشید بود. طول سال در این تقویم ۳۶۵ و ۱/۴ روز تعیین گردید که بر ۱۲ ماه تقسیم می شد. ماههای فرد دارای ۳۱ روز و ماههای زوج دارای ۳۰ روز و ماه فوریه در موقع کبیسه ۲۹ روز بود.

از آنجا که در تقویم های قبلی سال از ۲۵ مارس شروع می شده و ماه فوریه آخرین ماه بود، در تقویم جدید ماه فوریه بعنوان ماه تعییر، تعیین گردید. ضمناً فوریه به معنی خالص کردن نیز می باشد. همچنین مقرر گردید که هر چهار سال یک روز به تقویم ایجاد گردید که شروع سال از اول پاییز بود و همین تقویم بود که به شرق و غرب برد شد و به نامهای مختلف مشهور گردید.

رومیان که در اوائل از تقویم قمری استفاده می کردند سال را به ۵ ماه قمری سپس به ۱۰ ماه قمری تقسیم نمودند. چون شمارش اعداد ۵ با ۱۰ از روی انگشتان دست برای آنان آسان بود. در سال ۷۱۴ پیش از میلاد نوماپوپیلیوس (Numa Pompilius) که وظیفه هماهنگ کردن حرکات

در طی این مدت کریسمس نیز بعنوان عاملی در تقویم مطرح گردید، عامل جدید دیگر، هفته بود که برای رومان ناشناخته بود و توسط تمدن و فرهنگ یهود عرضه گردید.

در سال ۳۲۱، کنستانتین بزرگ، تقسیم بندی تقویم رومی را بهم زد و هفته را براساس هفت روز، در تقویم رسمی وارد نمود و یکشنبه را بعنوان تعطیل و استراحت عمومی تعیین کرد. با اضافه شدن هفته، نظام تقویم ابداعی ژولیوس ساز بهم خورد و مردم مجبور شدند که جداولی برای تعیین روزهای هفته تهیه نمایند. ازین زمان به بعد بی نظمی روزهای هفته در تقویم ظاهر شد و در همین زمان بود که تعیین دقیق عید پاک مورد بحث قرار گرفت. تقویم ژولیوس که بر مبنای ۳۶۵ روز و ۶ ساعت است کمی طولانی تر از سال خورشیدی واقعی است. این اختلاف حدود ۱۱ دقیقه و ۱۴ ثانیه به مرور زمان باعث گردید که اول بهار به ماه آخر زمستان نقل مکان نمایند. در زمان پاک گریگوری سیزدهم در سال ۱۵۸۲ بعد از ده سال مطالعه با محاسبه ریاضی و نجومی تقویم از ۲۱ مارس به ۱۱ مارس عقب برده شد و فصلها بجا اصلی خود برگشته شدند.

این اصلاحات انجام شده توسط گریگوری مورد قبول کشورهای کاتولیک رومی واقع گردید ولی کشورهای پرتوستان تا مدت‌ها از پذیرفتن این تغییر خودداری می‌کردند. کشور انگلستان و مستعمراتش نیز بعد از مدت‌ها خودداری، بالاخره در سال ۱۷۵۲ تقویم گرگوری را پذیرفتند.

تاریخچه تقویم شمسی و قمری

سال ۴۶۷ در زمان سلطنت جلال الدین ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام الملک، چون خواستند ترتیب تقویم یعنی محاسبه سال و ماه را بر طبق قوانین نجومی و دقیق معنی کنند، گروهی از دانشمندان آگاه به علم نجوم را برای این کار انتخاب کردند و آنها مامور بودند تا محاسبه را ترتیب دهند و این محاسبه، درست ترین و دقیق ترین محاسبه سال شماری و معروف به تقویم جلالی است و خیام یکی از این دانشمندان و گویا سربرست این گروه بوده است. هر دستگاه تقسیم زمان به سال، ماه، هفته و روز و جدولی که شامل این تقسیمات است، به تقویم یا تاریخ موسوم است. همه این دستگاه‌های قراردادی حساب زمان در نهایت به امور متناوب طبیعی و دوره‌های گردش طبیعی برمی‌گردند. واقع باید گفت که تاریخ تقویم از زمانی شروع می‌شود

که انسان به حال ماندگاری به زراعت پرداخت؛ در نتیجه متوجه شد که موسم بذرافشانی به فواصل منظم همه ساله بازمی‌گردد. سپس به شمردن ایام میان دو موسم متولی بذرافشانی پرداخت.

ماههای قمری و مشکلات آن از نخستین پیشرفت‌هایی که در حساب زمان حاصل شد، اتخاذ دوره گردش قمر بود. منجمان دو تعريف برای ماه دارند؛ ماه نجومی که فاصله زمانی میان دو عبور متولی قمر از مقابل یک ستاره ثابت است و ماه هلالی، که فاصله زمانی میان دو مقارنه قمر و خورشید است. ماهی که در آن روزها از آن استفاده می‌شود، ماه هلالی بود. پس از آن که استفاده از ماههای قمری بر استفاده فصلها در تقسیم سال طبیعی غلبه پیدا کرد، ماهها را بر حسب فصلی که در آن می‌افتاد، نامگذاری کردند. بیناً قرار دادن ماههای قمری، به عنوان حساب زمان، با مشکل مواجه شد؛ چون پدیده حمل انتطباق یافت با این قرارداد، سال جلالی به عکس سال مسیحی که در هر ۱۰ هزار سال قریب ۳ روز با سال شمسی اختلاف پیدا می‌کند، همینه مطابق با سال شمسی قرار دارد و آن را می‌توان دقیق ترین تقویم جهان دانست ولی سالهای کبیسه در تقویم جلالی ثابت نیستند و کبیسه کردن موقوف به نتایج رصد هر سال است.

تقویم‌های زرتشتی

زرتشتی گری در دوره ساسانی رواج یافت. پس از حمله اعراب، زرتشیان در مناطق مختلف پخش شدند که باعث پیدایش تقویم‌های گوناگون شد. تقویم زرتشتی، خورشیدی است و با زمان تاجگذاری آخرین پادشاه زرتشتی، یزدگرد سوم، شروع می‌شود. سال تقویم اوتستای (زرتشتی) در هر ۴ سال، یک شبانه روز یا به طور دقیق تر در هر ۱۲۸ سال، ۳۱ شبانه روز از سال شمسی حقیقی قبض می‌افتد و در نتیجه مثلاً نوروز در طول سال غیربر می‌کند. در باب تنظیم زمان در ایران باستان اطلاعات قطعی در دست نیست. احتمالاً در بیو امر سال قمری ایجاد شده ولی ظاهراً میان مردم کشاورز و گله دار که اساس کارهایشان بر فسouل طبیعی است باید بزودی ترتیب کبیسه‌ای داده شده باشد. اولین شکل تقویم که از آن نزد اقوام ایرانی خبر داریم تقویم اوستایی قدیم است که قمری - شمسی و آغازش بر پایه انقلاب سیفی بوده است.

شمسی خالص جایگزین تقویم قمری بدوی شد. سال شمسی به ۳ فصل ۴ ماهه تقسیم می‌شد. هر ماه ۳۰ شبانه روز بود و پس از ۱۲ ماه ۵ روز اضافی درج می‌شد و به این ترتیب سال درست مرکب از ۳۶۵ شبانه روز بود. در سالی که این تقویم اختیار شد، اولین روز اولین ماه، مقارن رصد تشریق شرای یمانی آغاز شد و انتخاب آن مسلمان به این سبب بود که تقویم مقارن آغاز طغیان نیل و انقلاب صفعی بود.

تقویم جلالی یا ملکی

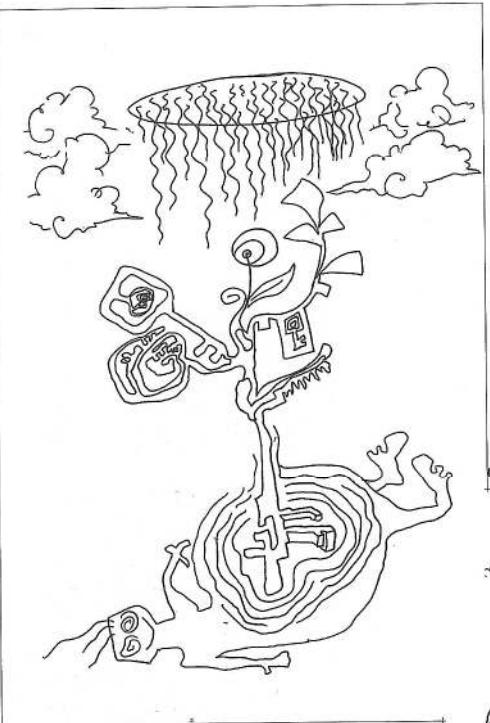
تقویم شمسی که در زمان جلال الدوله ملکشاه سلجوقی تأسیس شد و در قسمت اعظم ایران رواج یافت، همان تقویمی است که امروزه رایج است. مبدأ این تقویم روز جمعه ۹ رمضان ۴۷۱ هجری قمری است. سال جلالی از اول بهار آغاز می‌شود و ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ روز اضافی که در آن دوازدهم دارد. روز اول سال جلالی یعنی روز ورود خورشید به اعتدال بهاری با روز ورود خورشید به نخستین درجه حمل انتطباق یافت با این قرارداد، سال جلالی به عکس سال مسیحی که در هر ۱۰ هزار سال قریب ۳ روز با سال شمسی اختلاف پیدا می‌کند، همینه مطابق با سال شمسی قرار دارد و آن را می‌توان دقیق ترین تقویم جهان دانست ولی سالهای کبیسه در تقویم جلالی ثابت نیستند و کبیسه کردن موقوف به نتایج رصد هر سال است.

تقویم‌های زرتشتی

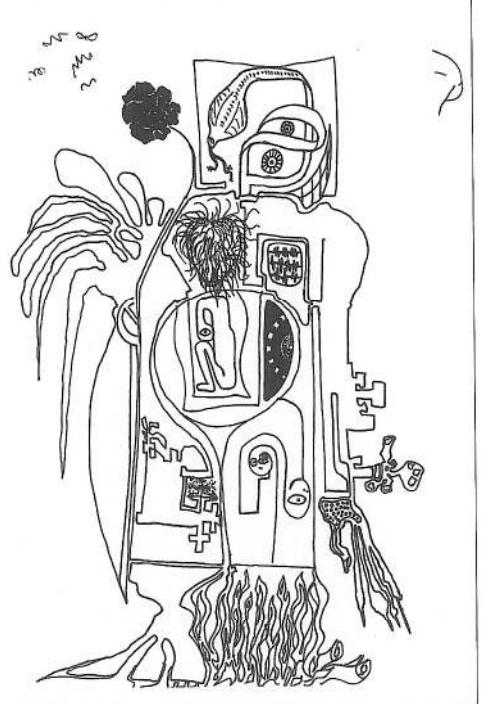
زرتشتی گری در دوره ساسانی رواج یافت. پس از حمله اعراب، زرتشیان در مناطق مختلف پخش شدند که باعث پیدایش تقویم‌های گوناگون شد. تقویم زرتشتی، خورشیدی است و با زمان تاجگذاری آخرین پادشاه زرتشتی، یزدگرد سوم، شروع می‌شود. سال تقویم اوتستای (زرتشتی) در هر ۴ سال، یک شبانه روز یا به طور دقیق تر در هر ۱۲۸ سال، ۳۱ شبانه روز از سال شمسی حقیقی قبض می‌افتد و در نتیجه مثلاً نوروز در طول سال غیربر می‌کند. در باب تنظیم زمان در ایران باستان اطلاعات قطعی در دست نیست. احتمالاً در بیو امر سال قمری ایجاد شده ولی ظاهراً میان مردم کشاورز و گله دار که اساس کارهایشان بر فسouل طبیعی است باید بزودی ترتیب کبیسه‌ای داده شده باشد. اولین شکل تقویم که از آن نزد اقوام ایرانی خبر داریم تقویم اوستایی قدیم است که قمری - شمسی و آغازش بر پایه انقلاب سیفی بوده است.

سال شمسی

برای مصریان قدیم، به مناسب نقش حیاتی طغیان‌های سالانه رود نیل در اقتصاد زراعی آنها و به ترتیب نسبتاً منظم این طغیان‌ها، سال شمسی اهمیتی بیش از سال قمری داشت. به همین دلیل از زمانهای بسیار دور تقویم



ابراهیم ذرگزی_کارشناسی ارشد مهندسی شهرسازی



می ترسم شاید،
که از خورشید به لرزه می افتم!
این پنجه گشوده نخواهد شدا
در همیشه هرگزی تار،
این پنجه گشوده نخواهد شد،
و من پشت پرده های ناخ تردید،
در گلوی لحظه هایم،
زهر می شوم!

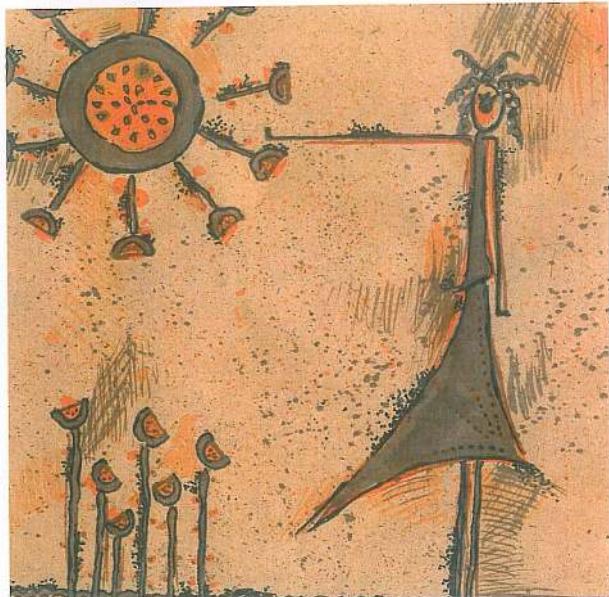
علی چشمان تو حالا
بر پنجه ام می کوید،
طلوع تازه و
من ...

مثل همیشه پرده های ناخ را می کشم و
کرم می کنم،
کنج بغض و انزوای دوباره ام
تا گام های قاطر فرتوت زمان
مرا از شاه راه ذهنست
به بیچاره بن بست فراموش برساند

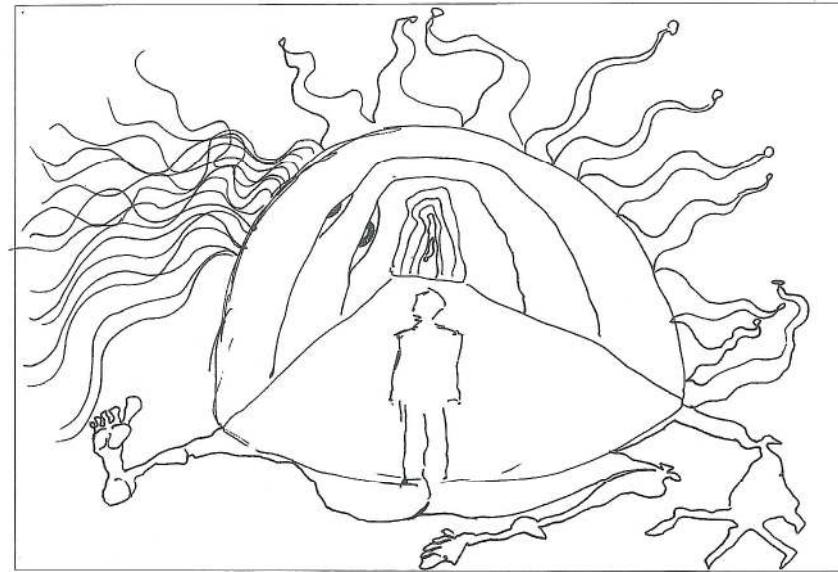
طرح (۱)
موج موج مرگ می گریم و
از ساحل زندگی محو می شوم
نیستی
با انگشتان نوازشت
دوباره خلم کنی!

طرح (۲)
در وداعی که نبودم
عاشقانه خود را به آغوش کشید
مردی که تمام وجودش
من بودم

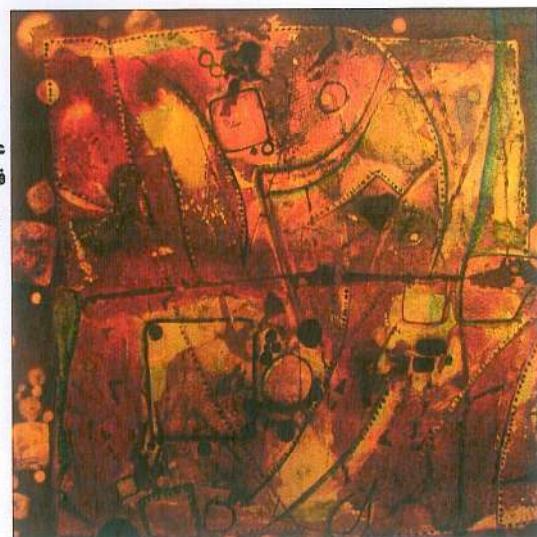
فرغ احمدی .
دانشجوی کارشناسی صنایع دستی



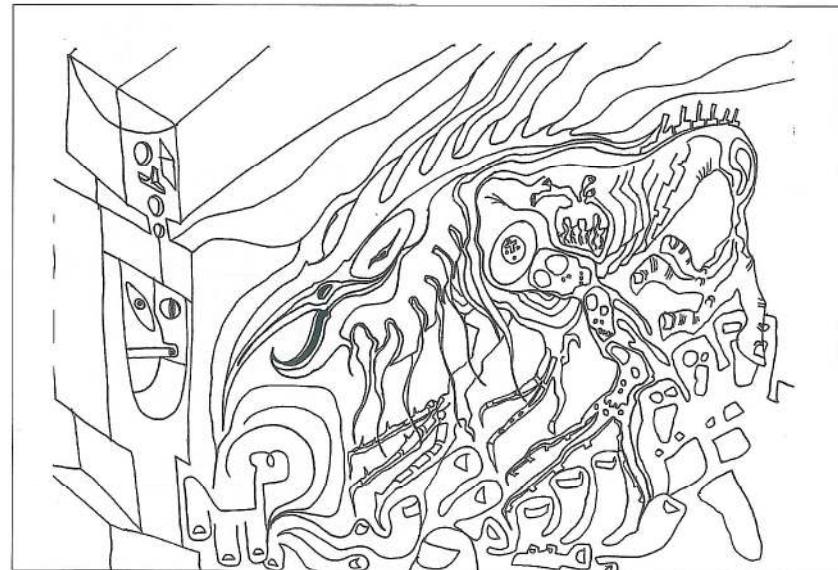
پگاه منجزی
دانشجوی کارشناسی صنایع دستی



ابراهیم زرگری_کارشناسی ارشد مهندسی شهرسازی



علیرضا بحرانی
فارغ التحصیل کارشناسی معماری
Love & Lonliness

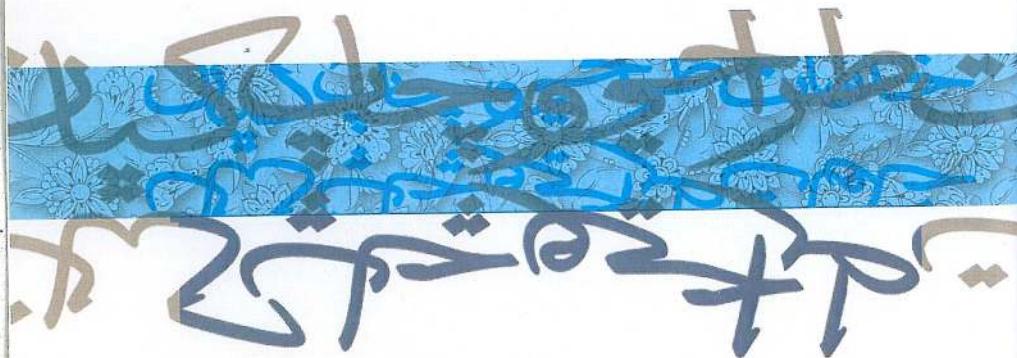




تولید کننده چینی آلات بهداشتی

- واحد صادراتی نمونه کشوری در سال ۱۳۸۷
- انتخاب کارگر نمونه کشور از شرکت گلساھ فارس در سال ۱۳۸۷
- اخذ گواهینامه ۵ ستاره اشتہار به سازمان EFQM در سال ۱۳۸۶
- اعضویت در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت EFQM در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۸۶
- واحد نمونه صادراتی استان فارس در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۶
- دریافت لوح صنعت سبز در سال ۱۳۸۵
- تولید کننده نمونه استان فارس در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶
- اخذ گواهی تعهد به تعالی در سال ۱۲۸۴
- مؤذی نمونه مالیاتی کشور در سال ۱۳۸۳
- واحد نمونه صادراتی کشور در سال ۱۳۸۱
- واحد نمونه کشور در زمینه بهینه‌سازی مصرف انرژی الکتریکی در سال ۱۳۷۹

کارخانه: شیراز، دوکوهک، کیلومتر ۲ جاده قدیم صدرا، صندوق پستی: ۷۳۴۹۱_۱۱۵
تلفن: ۰۷۱۱۶۴۰۷۰۲۵-۰۷۲۱۱۶۲۲۴ فکس: ۰۷۱۱۶۴۰۷۰۲۵-۰۷۲۱۱۶۲۲۴



خطاط طراح چهل گزین

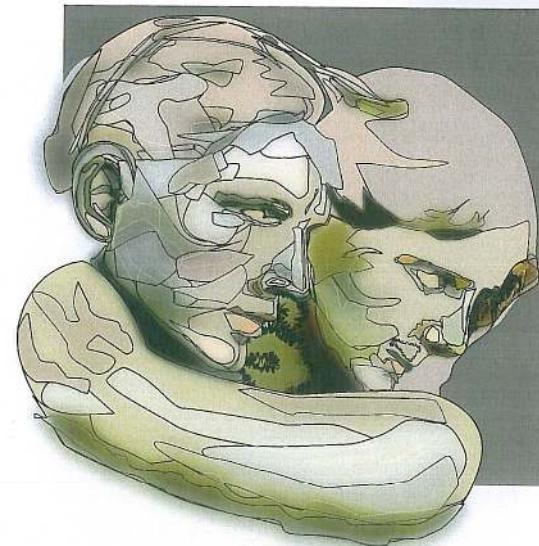
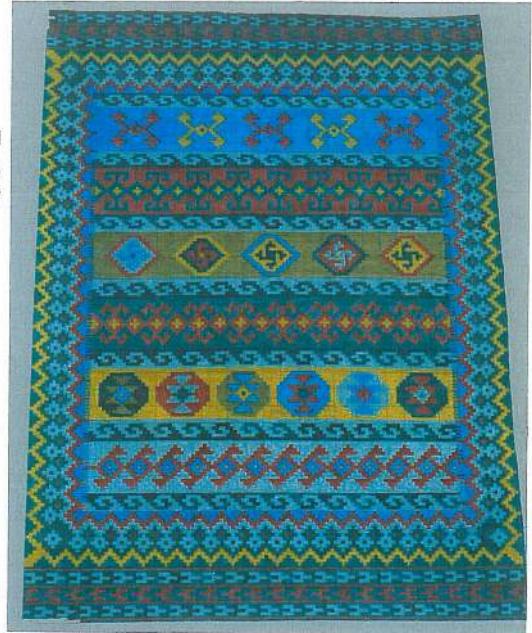
ارائه دهنده انواع خدمات طراحی و چاپ

تاپ و ترجمه مقالات و پایان نامه ها

پرديس ارم دانشگاه شيراز

۶۲۹۱۶۰۰

اشکان رحمانی
مدرس دانشکده هنر دانشگاه شیراز
گلیم با طرح محramat افقی



سید محمد خلیل اثنی اشر
عضو هیئت علمی دانشکده هنر